

ما و ۱۶ آذر، ستاره سخ آسمان جنبش دانشجویی

ارگان دانشجویی



# ۱۶ آذر



سال اول، شماره (۲) نیمه دوم آذرماه ۸۸

(قیمت ۲۰ ریال)

● برپایی رفرا ندوم و شیوه برخوردنیروهای سیاسی ... ص ۴

● گزارش گرامیداشت

(۱۶ آذر) ص ۱۲

● ما و سورا های دانشجویی (۲)

ص ۴

● اخبار مبارزات دانشجویی

ص ۲۲



● زنده باد لنینسیم! ص ۶

● در حوزه های رای گیری... ص ۸

● مشی چریکی به چه ص ۹  
می انجامد؟

● هنر پرولتری... ص ۱۱

## مرکز برای آمریکا

و حامیان داخلی آن



مهری دل دانشجو پس بر سر بنده مردم از حمنکش!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org



# ماو ((۱۶ آذر))، ستاره سرخ آسمان جنبش دانشجویی (۱)

۲۶ سال از خون نهدن ۳ دانشجوگت ۲۶ سالی که هر سالش بخون نهدن بود برای پیکار جوانان و رنج و ستم و استثمار بود برای خلق قهرمان

۲۶ سال پیش پرچم سرخ جنبش دانشجویی ایران با پاهای خونی ۳ شهید بر فراز دانشگاه به اهتزاز آمد، پرچمی که صد ها پیراهن خونی در یکراتکون بدان افزود - شده است.

۲۶ سال است که فریاد **اجتاد خلق سرخ** مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع مصلحت‌پرهیزی کارگران و زحمتکشان دانشگاه رابه پیکس از سنگرهای مستحکم مبارزات ضد امپریالیستی توده هایدل کرده است.

و ما در آستانه بزرگداشت ۲۶مین سالگشت عهد خون جنبش دانشجویی ایستاده ایم. آستانه ای که خود صادق با شرافتی ویژه و خطیر در جنبش خلق ماست.

**«لینن در مجلس یادبود یکی از انقلابیون - گفت: مارکسیست‌ها برخلاف آنکسانی که با سو نظر مینظور درونگویی و فریب مردم - فقط به سخنان زیبا و صداهای می‌میلز انگفا می‌کنند، از مراسم یادبود انقلابیون عقید برای طرح وظائف خود استفاده می‌نمایند.»**

و جنبش است که در آستانه "روز دانشجو" بارگزان وظائف خطیر دانشجویان انقلابی در مجال مبارزات توده ها، سنگبری بسوی زحمتکشان و... رخ می‌نماید. وظائفی که برای انجام بسیاری از آنان هنوز افاذامی جدی صورت نگرفته است.

۱- چرا ۱۶ آذر یاد آمد؟  
 دوران ۲۰-۳۲، دوران درخشان جنبش جوانان، دوران عدم تثبیت کامل هیئت حاکمه ایران است. انقلاب "انقلابی توده" روجه انقلاب دارد وحدت به سابقه نظامی در جامعه نیمه فئودالی ایران می‌گوشد تا قفس تنگ روابط کهنه تولیدی را در ره چنگد.

بروز جنگ جهانی ۴ امکان تنفس نسبی رابه اقتصاد ملی داده و در عرصه جهانی هنوز امپریالیزم بطور کلی و همه جانبه ای ضریات جنگ را بر خویش ترمیم نکرده است. رشد و گسترش مبارزات رها نمیشد خلفها، غریبو پر خروش آزادی و استقلال را بر سر حرکت کرده ارض طنین انداز می‌گردد، پروتاریای قهرمان مپهن ما با استفاده از شرایط ضعف نسبی امپریالیزم در مپهن و آزادیهای بسیار نیم بند بورژوازی فرصتی برای شکل و آگاهی یافته است اما فاقد حزب پیشاهنگ خویش ستاد رهبری کننده جنبش است. در عوض رهبرانی - و فرصت و سازشکارها انگفا - به اندیشه های خرد بورژوازی رهبری خویش را بر زحمتکشان، تحمیل کرده اند. حزب توده بجای در آمیختن با جنبش توده و ارتقا آن، بجای استفاده از موقعیت انقلابی در کردستان، آذربایجان و تا حدی خوزستان و اختلا "انقلابی" در سراسر کشور، به معامله چند پست با هیئت حاکمه ضد خلقی "قواچ" و قوامها "سرگرم" بوده و "پوزسیون" ملحقه شاه جوان "ایران است."

حزب توده بجای آنکه از درون مبارزه طبقه کارگر توده ها جوشیده باشد، حزبی است از بالا تشکیل شده که رهبری آن در دست روشنفکران خرد بورژوا و پوزسیونها است که مارکسیسم را با لجه اشرفیت آموخته اند. حزب توده بجای آنکه "بسه توده ها به بالا نظردارد."

حزب توده بجای فیر انقلابی به آشتی طبقه گرایش دارد و نشان خواهد داد که چگونه رهبرانش میتوانند در موقع لزوم، هنگام مبارزه و انقلاب، میدان را بسرت برای حفظ جان خود خالی کنند.

به يك كلام، جنبش توده ها بالا است، هیئت حاکمه ضعیف است و حزب توده اکثریت نسبی نیروی ضد در مقابل هیئت حاکمه است. اما خیانت تاریخی مبارزات شکست توده ها زحمتکشان ما رابه شکست میکشاند و کودتای ۲۸

مرداد، دولت بورژوازی ملی صدق راکه خصلتا" ناپهگرم سازشکار بوده درهم میکشد. کودتای ۲۸ مرداد، اثباتناپهگیری بورژوازی ملی (صدق و جبهه ملی) و خرد بورژوازی (حزب توده) در به سرانجام رساندن انقلاب در موکراتیک بود و ضرورت حزب طبقه کارگر رهبری اترا بخوبی نشان میداد. کودتا انجام میگردد. رهبران خیانتکار بجای استفاده از اناناسمیل جنبش توده می‌گزینند، اما جنبش اراده می‌یابد. توده ها بسه معاونت های خود بخودی صراکندند. دست می‌زنند، هر چند رهبری خیانتکار حزب توده و ناپهگرمان و سازشکاران صدق توده روی دست گذارده اند، اما قلب انقلاب هنوز می‌تپد. صغیر امریکا برای سرکشی به توکثر به ایران می‌آیند و از ارتقای می‌آیند.

**روزخونین ۱۶ آذر گواه درخشانی** موجود است! انقلابی، مقاومت خلقی و تانسیل بالا ی توده هایشان است. نشان میدهد که توده ها قابلیت در هم شکستن توطئه های کودتا دارند. نشان میدهد که عوامل عمینی اوچگی مبارزات و مقاومت خلق وجود داشت. نشان میدهد که راه های روزیونیتهای خائن حزب توده صبی نبود امکان مقاومت "سرای پوشا ندن خیانت است. نظاهرات توده ی تهران بر علیه امپریالیسم آمریکا، دلاوری خلق وینونی و خیانت رهبران رابه نمایش می‌گذارد.

۱۶ آذر انقلاب "انقلابی، مقاومت خلقی را نمایش می‌گذارد و خیانت سازشکاران و فراریان را آشکار می‌کند و اهمیت مبارزات دانشجویی را در عرصه انقلاب در موکراتیک مپهن متذکر میشود.

پدید آمدن ۱۶ آذر رابه یاد از سوتی در توده و انقلاب به وقتم شکست کامل (ولوسی قریب الوقوع) آن و از سوی دیگر راهمیت مبارزه جوانان و دانشجویان انقلابی بر علیه امپریالیست و در حقیقت پرچم انقلاب

در موکراتیک تا تمام مپهن ما در ۱۶ آذر، بر سر دوش دانشجویان انقلابی حل میشود و تنش دانشجویان انقلابی را در مبارزات ضد-امپریالیستی توده ها یادآور میشود.

۲- جنبش دانشجویی پس از ۱۶ آذر: شکست انقلاب در موکراتیک مپهن ما حدود سال ۳۴ قیدترین شکل خویش، روحیه "یا" می‌نمایند و رابرجنیش همراه آورد. مارکس به گوگلمان در پیجوه نسرد کون نوشته بود: "شکست اقدام انقلابی پرولتاریا بر کتریت ستاد است کنندن از موضع اتحاد شده و تسلیم بدین نهدر - جنبش تسلیمی روحیه پرولتاریا را می‌شکند و نشان پیکار را از دست می‌کند." مبارزات کارگران صنعت نفت، زحمتکشان، خلفها، جوانان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان و - نیز اقربان نظامی و انقلابی بخاطر

عده سازماندهی در یک حزب پولادین برانگیده و بدو رهبری ره جانشی نی برد. و صد زنج پتانسیل انقلابی توده ها، دم گرم "مبارزه لطفاش خلقی" به سردی می‌گراند. آتش پر لیب خلق بخاطر خیانت نگهبان نابکارانش روجه خاموشی میرود. جنبش دانشجویان انقلابی متاثر از جریان تا موجود جامعه کریمایش را از دست میدهد. از اتما که دانشجویان انعکاس گروهبندیها درون جامعه اند همان ضعیفها، زبونانها... بر جنبش دانشجویی مسلط می‌نمود.

با اوچگی مبارزات توده ها، پس از مبارزات خونین کارگران کوره برخانه ها پس از ۱۳۴۸ خصوصی هنگام "انقلابی جنبش خلق در سالهای ۴۲-۳۹ جنبش دانشجویان انقلابی متاثر از جنبش خلق اوج میگردد. نظاهرات آرد دانشگاه بسه خیابانهای اطراف کشیده میشود و جنبش به جلوی مجلس تیر می‌کشد!! دانشگاه توسط تیپ زرمی اشغال میشود



**مبارزگران و زحمتکشان**  
 سرچشمه لاینزال قدمت و توان انقلاب بند. با تمام نیرو با این منبع عظیم و توان بخش در آمیزیم. یافتن راههای عملی چنین پیوندی، اساسی ترین گره گونوسی جنبش دانشجویی را می‌گشاید.





### ماوراءالنهر

دانشگاه همه تعلیم میشود اما...  
 امپریالیسم دانشجویی، امپریالیسم سوارانت  
 از راههای ۲۲ بیروزی ملی، اقتصاد  
 وضعیتشده، در مقابل رشد سرمایه  
 امپریالیستی درجهن ماهر چه بیشتر  
 و تدریج با خصوصیات ملی خویش و داع...  
 می کند. حزب توده لاشه متعنتی شده  
 که در خارج از کشور ارد می کند و سود  
 تعنتش امپریالیسم و بیرونیسم را از سوی  
 مرزها برای حبس دانشجویی بیست  
 ارمغان می آورد. جریان مارکسیستی در  
 دانشگاه چشم نمی خورد و دموکراسی  
 خرد بیرونی که مدعا "در قالب مذهب  
 خود را بیان می کند، هنوز در دانشگاه جا  
 پای یافته است و چنین است که  
 شعار "بویولامیرالی" اصلاحات ارضی آری  
 دیکتاتوری توده "بر سر در دانشگاه پرچم  
 میشود. پرچم یونی حزب توده و جبهه ملی  
 پرچم سنگین افتادن دانشجویان انقلابی  
 گام امپریالیست

دانشجویان امپریالیسم را نمی بینند و هدف  
 گزافی دهند، در عوض اصلاحات ارضی  
 امپریالیستی، توطئه جدید جهانی "میرا -  
 لیست" برای جلوگیری از انقلاب سرزم  
 چشم خویش می کند و فقط لیبرال وارار -  
 دیکتاتور شاه می تابد. (۱)  
 دموکراسی امپریالیست توده هادرده ۱۰ خرداد  
 بر شش تا لیبرالی خد بلان میکند دلیل  
 خون شهیدان ۱۵ خرداد است و توطئه  
 های امپریالیستی و بیرونیستی خد بلان  
 می کند. راست روی درون جنبش را در افغان  
 می کند. هر طیف حرکت "جیب  
 و انارکسیستی" آینده را می گارد! خشم  
 خلق زیاده کشیده "امپریالیسم راه را بر  
 در بیرونیهای لیبرالی و بیرونیستی گذار -  
 سلامت امپریالیسم... است و چنین  
 است که خشم آتشین روشنفکران خرد بیروزی  
 که نمی دانند با بیستی توانند با جنبش طبقه  
 کارگر با پیوند (فلسفه نقل معنی) آغاز شود  
 در جهت طغیان می کشد. جنبش  
 ۱۵ خرداد بر روی مردم امپریالیسم انقلاب را  
 به شکست میکشاند و بر پایه داری انبلا در  
 جهت عدم گذارن انقلاب و رشد نیروهای  
 مولد زیاده در درون سپنج جنگل مرغان  
 راه خون زحمتکشان و صنایع کمپنی مسا  
 فروسی کند.

جنبش شکست می خورد. اما با خویش  
 شکست راههای سلامت امپریالیسم  
 و بیرونیستی را به همراه دارد اما دانشگاه  
 هنوز پاک است. هنوز کار دارد تا خشم  
 غضب آتشین روشنفکران جدا از توده بر  
 علیه امپریالیسم با امداد و جانبازی لطمیان  
 کند. بیو، با سفیم، گند بدگسی  
 و بیرونیسم جهانی بیرون ببرد. اما  
 خلقها طبقه کارگر را فراموش کند و خود بیایز  
 بنشینند هنوز خشم آتشین روشنفکران، توام  
 گرفته است، ماهم چون آتش زردا کستر  
 خود را برای سال ۱۳۴۹ برای نهایه کسب  
 آماده می کند.  
 حرکات پراکنده، صغنی و گاه بندرت سیاسی  
 یکی در یاد بود ۱۶ آذر...  
 مهمترین آن بزرگداشت چهل شهادت -  
 قهرمان ملی خلق، مهران پهلوان تختی  
 است.  
 این حرکت درخشش عظیم در جنبش دانشجویی  
 است. ستاره ای است که بناگاه در آسمان  
 طلکوه مهبان می درخشند ستاره ای  
 که بدلیل نبود شرایط عینی و ذهنی حتما  
 تنها خواهد بود و زود هم فروپ خواهد کرد اما  
 این حرکت پس درخشان است. نشان  
 میدهد رفتن بدون توده ها، جبهه

جنبش عظیمی از خلق، چه عمل خروشان  
 را به همراه دارد. نشان میدهد که خلق  
 علیه شکست پس از خرداد ۲۲ هنوز  
 انقلاب پر چشماتر ستاره های امید فردا  
 سپارگشته است. نشان میدهد که راه -  
 سوی توده است. نشان میدهد که خلقها  
 همه چیزند و باید و باید با آن در آید  
 امیختگی که پس از ۳ سال درگانی بلیط  
 اتیوین بارد بگرمایان میشود و سوار بگر  
 دانشجویان را در کنار توده هادرارازات -  
 دموکراسی و دموکراسی امپریالیستی مکانی ویژه  
 می بخشد.

اگر بوی جنبش دانشجویی در دوران اول  
 (۲۹-۳۴) شکست ۲۸ مرداد (۱)  
 تا زمان ضعف است و اگر بوی دوران دوم  
 (۴۴-۴۹) علیه فرعیسم و امپریالیسم  
 بر جنبش دانشجویی است دوران سوم (۴۹)  
 - (۵۲) دوران سردرگمی و دوران سکوت  
 پیش از طوفان، دوران  
 و بالاخره دوران حرکات خود بخود و  
 پراکنده، بی سازمان در مبارزه طبقه  
 امپریالیسم و برای در آیدن با توده هاست.  
 دوران چهارم پس از سیهاکل و اندکاس  
 شش چریکی در درون دانشگاه آفساز  
 میشود.

جنبش دانشجویی با صفر گوله های  
 سیهاکل اندکاس شش چریکی راه تنها  
 در خود با رزی کند بلکه درین دوران زیر  
 سیله آن فرامگیرد و سیهاکل تا ۱۰ مهر  
 ماه ۱۳۵۷ (۱۳ آبان) شش چریکی  
 بعنوان یگانه راه حل انقلاب خلق  
 جایزه ای که خون شهیدان قهرمانان -  
 ایجاد کرده بود به هوا خواهد شش چریکی  
 روی می آورد. دانشجویان همدی  
 دارند جز آنکه در آینده چریک شوند. بدین  
 ترتیب آنان موظفند "خود را سازند" که هنوز  
 کشیده و برتر کشند. در نظرات خیابانی  
 شرکت جویند. اعلا می های چریکی  
 را بخت و شکر کشند تا بدیج در لی بک  
 پروسه تکاملی امکان راه با بی سازمان  
 چریکی تبدیل به قهرمان شدن  
 جنبش توده ها اهمیت دارد نه حسیرتی  
 کارگرویند با این جنبش ها که تبلیغ و ترویج  
 مارکسیسم - لیونیسم اهمیت دارد و  
 ساخت شوریهک معضلات جنبش، چرا  
 که بر آختن به تئوری کار بیرونیست  
 و قهرمانان، چریک را از کار اصلاحات بازمی آورد  
 اینجا کار توده ای انقلابی نه در صحن طبقه  
 کارگر مطرح است و نه از میان دیگر توده ها  
 و نه حتی در میان دانشجویان!

جنبش دانشجویی به شایه جنبش انقلابی  
 که بتواند توده دانشجویان ضد امپریالیست  
 را بر علیه امپریالیسم بسیج کرده و دانشجویان  
 کمونیست را پرورش داده برای رهبری  
 جنبش تربیت کند مطرح نیست. توده های  
 دانشجویی شکست آید. مبارزات دانشجویی  
 در خدمت اهداف سازمانی، سازمانهای  
 چریکی، در خدمت خود سازی عناصری  
 که میخواهند قهرمان شوند درمی آیدند.  
 مبارزات دانشجویی کاری است حقیقتر که  
 با بیستی به درجه متعالی خویش یعنی  
 چریک شدن بنیانجامد. چریکیهای قهرمان  
 مشغول کار اصلی خویشند و نتیجه کارهای  
 غیر، مانند هسته های صغنی - سیاسی  
 ساختن در دانشگاه و حتی هزن رتند  
 میان طبقه کارگر و بگرا تا بعد دانشجویان  
 است آنان با بیستی با این هسته همداد  
 جنبش مسخرانه پشاز (بخوان: مشش  
 چریکی روشنفکران جدا از توده) را در میان  
 توده ها تبلیغ و ترویج کنند. آنان با بیستی  
 خود را آماده کنند تا در آینده در جرگه  
 قهرمانان در آیدند. (هسته های  
 صغنی - سیاسی نقل معنی اینها دانشجویان

چریکیهای فدائی خلق آذرماه ۵۶)  
 قهرمانان کار اصلی که انقلاب با شش  
 رایگانه به انجام میرسانند و "کوتوله ها"  
 (دانشجویان) باید کارهای ساده را به  
 عهده بگیرند، کارهایی که تا ۲-۳ سال  
 بیشتر زندان ندارد اما قهرمانان کتسه  
 حسی ابد و اعدام برایشان هیچ مهم نیست  
 باید کار انقلاب را بر مرده و بیگانه در تهردها  
 تیره تن با مزدوران امپریالیسم به بیشتر  
 برنند.

بدین ترتیب شش چریکی (در زمان  
 پیدایش) دارای یک هسته انقلابی  
 است. کرچه خواب روینوینوینوینوینوینو  
 آتشید و کرچه در میان دانشجویان روشنفکران  
 "تب و تاب" انقلاب ایجاد می کند و آنان  
 را با هر عملیات چریکی به وجد می آورد و خشم  
 و غضبشان را بر ارضیت ترمی کند، اما از تمام  
 با توده ها، اینهمه بازحمتکشان، تلقین  
 آگاهی سوسیالیستی با جنبش پرولتاریا  
 و نهایتاً از رهبری جنبش عاجز است. او -  
 نمی تواند طبقه کارگر را بسیج کند، نمی تواند  
 با کار در میان توده ها با بریدن آگاهی  
 سوسیالیستی بدون توده ها، این آگاهی  
 راه نیروی مادی عظیمی ل را بداند که  
 تاریخ را در گون سازد و چنین است که  
 شش چریکی در درون دانشگاه نیز انعکاسی  
 حرکات جدا از توده خود را می باید، کرچه  
 امپریالیسم و بیرونیسم از دانشگاه می گریزد  
 یا خود را موقتاً پنهان می کند، اما وظیفه  
 اساسی کونین تنها در مقابل جنبش دانشجویی  
 یعنی، تبلیغ و ترویج (م - ل) و رهبری  
 مبارزات ضد امپریالیستی دانشجویان و -  
 پیوند با زحمتکشان و با شش کارگر امپریالیستی  
 نمی آید. خشم آتشین دانشجویان را -  
 نسبت به خفا و "دیکتاتوری" با  
 اقدامات پرشور "حضری" به نحو  
 درخشان نمایان می کند.

عکس المعنی آتش آروزنفکران آتشین  
 مزاج بر علیه دیکتاتور حاکم با شیوه ای انقلابی  
 ولی خرد بیروزی، دانشجویان را حول  
 ایده های م - ن متشکل نمی کند حصول  
 مبارزات ضد امپریالیستی سازمان نمی دهد  
 حول پیوند با زحمتکشان بسیج نمی کند.  
 و چنین است که نه بی تشکیلات توده ای -  
 (م - ل) به شایه تنه نقاله یک سازمان  
 (م - ل) ایجاد میشود و نه یک حرکت  
 سازمان یافته و اصول برای پیوند با  
 زحمتکشان، اما با اینهمه در این سالها  
 دانشگاه بسیار بسیار پر خروش است.  
 دانشگاه بر علیه امپریالیسم

بر علیه شاه مزدور می توفد.  
 لغعیان می کند و می رزد. اما رزمی  
 که فقط دانشجویان پیشرو در آن شرکت  
 دارند، شش چریکی نمی تواند مبارزه  
 را توده ای کند و نتواند. برای پیوند  
 با زحمتکشان نیز هم چنان اقداماتی صورت  
 می گیرد. اما این اقدامات نه کافی است و  
 نه اساسی یک تئوری انقلابی انجام میگردد  
 پراکنده و خود بخود است. نظرات  
 در صفا ت فقیر نشین برای اولین بار پس  
 از ۱۶ آذر انجام میگردد.  
 شعارهای "نان - مسک - آزادی"  
 "از خلقی و گران مردم به تنگ آمده اند"  
 "کارگر - دهقان - دانشجوی"، این شاه  
 آمریکایی اقدام باید کرد"، "زحمتکشان  
 باید نماینده و لجن فروشی است" و... در این  
 محلات قزبان میشود، در زلزله و سینه ها  
 دانشجویان بهمان مردم میروند (از دوران  
 سوم این امپرات انجام گرفته است، آغاز  
 این حرکت را میتوان زلزله بویتن زهراس  
 و حرکت وسیع دانشجویان در این مورد را  
 اعلا می ها و تراکتها ش که اکثر با بدی  
 غیر پرولتاری نشانده میشد ولی بهر حال متو  
 دموکراسی و دموکراسی امپریالیستی داشت پخش

می شود، شش چریکی در دانشگاه غالب  
 است و همه چیز از این دیدگاه نظر  
 میشود. جنبش دانشجویی نه به شایه  
 یک جنبش توده ای که با بیستی بر علیه  
 امپریالیسم بسیج شود با بیستی مارکسیسم  
 لیونیسم را با میزود و بصورت تنه نقاله  
 (م - ل) توده ای در آید، بلکه زانده ای  
 از شش چریکی، شش قهرمانان در می آید  
 و مبارزه توده ای دانشجویی به نسبت  
 برخورد های غیر پرولتاری شش چریکی  
 وزانده آن شدن بهراموش میرود میشود.  
 اما شش چریکی در تئوری صراحتیک به  
 پس بست میرسد. جنبش توفنده خلق بر  
 شش تئوریهای چریکی خد بلان میکند،  
 می آموزد که خلق است که باید انقلاب کند  
 نه روشنفکران جدا از توده، نشان می دهد  
 که رگزد و میموند توده این تنها دلیل تزلزل و  
 نفی کننده عظمت توده، خیالی بیش نیست  
 و کم کرم پشاهان معطی می تواند بی روشنفکران  
 خود بیوزار آب کند، خلق بالا با خسر  
 بر می خیزد و درون شکستی را می شکند. اما  
 برخاستن یک قانونی در دارد. طبقه  
 یک قدرت و خا خلق دوران شکستی را می -  
 شکند و قاض بدین را با بدی می برد و طبقه  
 کمونیست این نیست که در دوران افست  
 جنبش سرخود را محکم به دیوار بکشد بلکه  
 با بیستی بهمان توده ها برود و آنها را برتری  
 فردا، برای روزی خاستن پر شوکه نشان  
 سازمان دهند و مبارزاتشان را در همان  
 افت جنبش نیز رهبری کنند افت \* انقلابی  
 شش چریکی را در دانشگاه تا حد و زیاد ی  
 در هم میکشد، در انقلاب شش چریکی  
 از سوی بخش (م - ل) مجاهدین خلق  
 از آنجا که خود این سازمان یک سازمان  
 چریکی بود بر شکست شش چریکی در درون  
 جنبش دامن میزند.

دوران چهارم بهمان می رسد  
 و دوران پنجم دوران حرکت و فعالیت  
 شش توده ای انقلابی در دانشگاه آفساز  
 می شود. اما نظرات شکویند ۲۹ -  
 مهزابه ۳۰ آبان تحت رهبری دانشجویان  
 بهشتند به شش توده ای انقلابی است.  
 شعار جمهوری دموکراتیک خلق پرچم میشود  
 و حرکت آغاز میشود، حرکتی که سپس با بیستی  
 با رفتن کارخانه هادریمس منسجیه  
 به اف خود برسد.

مادردوران چهارم حزب توده چه  
 سیاسی کند؟  
 "حزب توده پس از شش توده ای ۲۴ که درون  
 زنی و گند بدگش فرامیسه عدل" تنها  
 در سالهای ۴۹-۴۹ بر شعارهای لیبرالی  
 رامن میزند و پس از آنان نیز در مطبق  
 به موانع و بیرونیستی خروچی می آید  
 سنگین ترین تئوری "خارش لغیاتی است"  
 در دوران چهارم حاکمیت شش چریکی  
 - حزب توده که با عطیت قهرمانها و موکرا -  
 تیم انقلابی در تهر دست اوگه نشه  
 بلکه مو کراسیم خرد بیروزی است  
 لهجولی معامله بیند هست او را بیرونیسم  
 محمد رضا شاهی میگرد. چنین است که  
 حزب توده شروع به نصیحت چریکی می کند  
 چون بودن و نا پخته بودن نشان را به  
 رخ هیبت خا که میکند، اما سفتاشیه  
 از هیبت خا که می خواهد که "خونگرتنها"  
 اینها بحساب انتشارند، او حتی وصیانه  
 تر، دیکتاتوری در دشنا به محمد رضا شاهر  
 را که نشانه اوج سلطه "امپریالیسم بر  
 ضمن مایود، با هزار رنگ تخریبی را روی  
 بیونستی به رزمن، ان چریک نسبت میدد  
 و مبارزه لغیاتی دشمن است، او به  
 انقلاب تضاد دارد، اما قهر انقلابی  
 بقه در ص ۳۱

## هرچه گسترده تر باد پیوند دانشجویان انقلابی با زحمتکشان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



موضوع مجلس مو" سنان به چهره‌بان  
ماحصل مبارزه لقیقاتی بین بهروزوی  
صورتیاریستی تام دارد" (لنن)

مادرتشاره قبل "۶ اثر" دربراره  
علت تشکیل مجلس خبرگان" ، ترکیب  
لقیقاتی آن و اینکه موافقین صوه آن در  
خدمت منافع چه لقیقاتی قراردارد ، مطالبی  
بیان داشتیم . دراین مقاله به بررسی  
طل جلیب حمایت توده ها ازفرانسه  
قانون اساسی و نیزچگونگی برخورد نیروهای  
سیاسی جامعه باآن میپردازیم :

مهمترین تکیه گاههای هیئت حاکمه  
برای کشاندن توده هایب حوزه های  
رای گیری چه بود ؟

بنظرما بهترین ابزارهای رژیم برای  
کشاندن توده ها به پای صندوقها  
رای رایاید درعوامل زیرمجموعه نمود :

الف : نقش رهبری خرده بهروزوی روحانی  
موجود درهیئت حاکمه :

۱- رهبری خرده بهروزوی بدلیل اینکه  
طلی بکوره توانسته بود درشرایط فقدان  
صف مستقل طبقه کارگروستادرزمنده اش -  
حزب کمونیست - رهبری مبارزه ضد -  
سلطنتی - ضدامپریالیستی توده ها را  
سرنگونی سلطنت (ونه کل سیستم سرمایه‌دار  
وابسته) بدست گیرد ، وازطرف دیگر

بعملت داشتن نقش رهبری مذهبی مردم و  
استفاده ازاین عامل مهم مذهبی ، هنوز  
انضباط عمده ای درجام توده ها  
برخورداراست . این موضوع هنگامی  
روشنتر میشود که علاوه برعوامل فوق  
فهرشدید فرهنگی واینها بودن نسبی  
آگاهی سیاسی توده ها را که روشنه

دریابمال شدن وجهیانه ابتدائی ترین  
حقوق دمکراتیک آنان درطول حکومت  
فاشیستی شاه خائن واریابانامپریالیست  
و نیزخیانت و ریزوینیمتها و انحرفات  
مشق چریکی که مانع انبوهند کمونیستها  
باتوده های گردید دارد ، درنظر  
داشته باشیم - و این وظیفه نیروهای

آگاه و انقلابیون راستین خلق است  
توده هایکشوند - اما آنچه که دراینجا  
درخور توجه جدی است ، اینست که درجه  
فراندم قانون اساسی ، هیئت حاکمه  
همچون گذشته کوشش تا ازاین نقطه  
ضعف توده ها جداگراستفاده رادرجلب  
حمایت آنان برای تصویب دستخاست

"خبرگان" بنماید . رهبری خرده بهروزوی و  
گروهی درگزاراجع مذهبی رای دادن به  
قانون اساسی راتحاد یک "مرفه" مذهبی

# برپایی رفاندوم

## وشیوه برخورد

### نیروهای سیاسی باآن

همچنین

آیت الله روحانی

درست مثل اینکه

مسئله ای شرعی آزوی

استفسار میشود ، میگوید :

بدنیال سوالات گروخی از مردم سلطنت

ایران درمورد تکلیف شرعی آنان درامر  
برکت درفراندم قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران به اطلاع  
عموم برادران و خواهران مسلمان میرسد  
تم که ... این قانون اساسی ازنظر  
ماکاملا "اسلامی است ووظیفه هرمسلمانی  
تصدیق و آگاه است که با شرکت درهمه  
بررسی روزگشته و دادن رای مثبت  
وفاداری خود را نسبت به اسلام  
و مدت گله خود را برای ناردیگر  
شان دهند .

( با مداد ۱۰ آذرماه - تاکید ازماست )

آیت الله وحیدی نیزمی گوید :

... رای دادن به آن ( قانون

اساس ) از لحاظ شرعی بی اشکال

است . بلکه درطبقه استقرا حکومت

جمهوری اسلامی که یک فریضه دینی

ووظیفه ملی است ازبرادران و خواهران

ایمانی انتظارمیرود که با شرکت اکثریت

تربیه با اتفاق رشد دینی وطنی خود را

به ثبوت رسانند و دشمنان انقلاب ( ؟ )

را از هرگونه طمع دراخلال و ایجاد

بلوایا بوس سازند ( !! )

( کههان ، ۷ آذرماه - تاکید ازماست )

آیت الله سید صادق شریعتداری نیزمی

مخالفین قانون اساسی را از "بیزد بیان"

می دانند !! ...

\*\*\*

لنن می گوید :

"... گله تلا شیبانی که خرده بهروزوی  
بطورعمده و هفتادان بالاخص بعمل  
آورده اند ، برای اینکه از نیروی خود آگاه  
گردند و اقتصاد و سیاست راشیوه خود -  
شان هدایت نمایند تاکنون همه به  
شکست انجامیده است . یا تحت رهبری  
بهروزویا یا تحت رهبری سرمایه داران -  
شق ثالثی وجود ندارد . کلیه کسانیکه

واکنون نیز میگوید : " سرنوشته پایه همین  
قانون اساسی است " بعدا " هم حتما " به  
توده ها خواهد گفت بنگارید مجلس شورای  
تعیین شود و رئیس جمهور معین شود  
همه کارها درست خواهد شد !!  
براحتی چرا چنین است ؟ - چون  
خرده بهروزوی نمی تواند برنامه و شی مستقل  
داشته باشد .

ب : ژست ضد امپریالیستی گرفتن

هیئت حاکمه :

همانگونه که در شماره قبل گفتیم هیئت  
حاکمه بدلیل ماهیت طبقاتی اش ، منافع  
خود را نه درتداوم انقلاب تا قطب کامل  
سلطه و نفوذ امپریالیسم و نابودی سرمایه  
داری وابسته بلکه همواره درترمیمها و  
زخم خورده امپریالیسم درایران و حرکت  
بسمت وابستگی جستجو کرده است و تمام  
عملکردهای این رژیم درطول ماههای پیش  
ازرقام خود بهترین گواه نظرماست .

اما اکنون همین هیئت حاکمه درم از مبارزه  
با امپریالیسم میزند !! چون ازبازمان خشم  
ونفرت خلقیای رزمنده و شائش ناپدید  
ایران نسبت به امپریالیستها و رواس آنها  
امپریالیسم آمریکا آگاه است ، چون میدانند  
که توده ها محرومیتها ، شکنجه ها و کشتار  
های ۲۵ ساله گذشته را از چشم امپریالیسم  
می بینند و هیئت حاکمه نیز نمی تواند این  
لباس - که بهارم برتنش گشاده است -  
می گوید تا منافع انتخاباتی شوهرهای  
شهر " دوباره تکرار نشود .

ج : صادره بودن با ماه محرم :

رژیم کله احساسات پاک مذهبی توده  
های خلقی واقف است بخصوصی کوشید تا از  
این امر نیز درتصویب ترهات " خیرگساز"  
حد اکثر استفاده را بنماید . این شیوه  
تمام رژیمهای ضد خلقی است تا آنجا که  
می تواند برضیمین آگاه خلق تکیه کند چون  
بخصوص میدانند که آگاهی توده ها ، سرگ  
ارتجاع را نیز بدیک ترمی کند . رژیم درضمن  
کوشید با یادآوری تظاهرات عظیم و پسر  
شکوه تا توسط و شایری سال عمل درخاطر  
توده ها ، توسط شعبوزن ، راد بود ، مطبوعا  
و ... از همجان و شورمازانی آنان  
بمنفع اهداف ضد مردمی خویش سودبرد .

د : جا رو جنجال تبلیغاتی هیئت

حاکمه درمورد برقراری " صلح "  
درکردستان و ایران خواستند  
خسرتلق کردن :

هیئت حاکمه پس ازپوش سلیمی اش به  
کردستان با مقاومت پولا دین خلق کسود  
مواجه شد ، واکنس ، که با شکست مقتضای  
د : جا رو جنجال تبلیغاتی هیئت

حاکمه درمورد برقراری " صلح "  
درکردستان و ایران خواستند  
خسرتلق کردن :

هیئت حاکمه پس ازپوش سلیمی اش به  
کردستان با مقاومت پولا دین خلق کسود  
مواجه شد ، واکنس ، که با شکست مقتضای

هیئت حاکمه پس ازپوش سلیمی اش به  
کردستان با مقاومت پولا دین خلق کسود  
مواجه شد ، واکنس ، که با شکست مقتضای

# هیئت حاکمه از استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم و برانگیختن آن در ماه محرم ، ژست ضد امپریالیستی جا رو جنجال عوام فریبانه صلح در کردستان و کلاً با ناآگاهی و توهم توده ها قانون اساسی از تجاعی رابه خلق تحمیل کرد . اما خلق ها از این ورق پاره ها بسیار دریده اند .

و دینی پائین آورده و از توده ها میخواستند  
که بمشاوران " مطلق دین خود ، بر طبقه  
فتواها پشان عمل نمایند :

آیت الله خمینی در بیانیه تاریخ ۷ آذرماه  
میگوید :

... جهاد تحت تا " شود سلطان اسلام  
رفته و از رای دادن و حضور در محرومتهای  
رای گیری خود داری کنید . اسلام بزرگتر  
از آنست که بواسطه یک انکالیب ناپابل  
رفق از ما س آن صرف نظر نماید "  
( با مداد ۱۰ آذرماه - تاکید ازماست )  
و بدین ترتیب به توده ها میگوید که  
قانون اساسی صوب " خبرگان " همسان  
اسلامست و اینجاست که کسی که نخواهد  
به مندرجات ارتجاعی این قانون رای مثبت  
بدهد ، چنانی تکبیر بر سرش فرود می آید .

در آزوی این شق ثالث هستند  
بند اربابان و موهوم بزستان بوج اند  
سیاست و اقتصاد و تاریخ دست دربه  
سینه آنها میگذارد . تمامی آموزن  
شارکین نشان میدهند که چون درآمده  
خرده یا مالک وسایل تولید و زمین است  
لذا از جمله بدین آنها حتما " سرمایه  
و پاهای آن تضاد بین سرمایه و کار  
سندیدی آید . مبارزه سرمایه با بهروزوی  
نادرگهر است و قانونمست که در سراسر  
جهان خود را نشان داده است و  
کسیکه نخواستند خود خویش را  
بسفریید ، نمی تواند این موضوع را نارد  
انگارد .

الهمین واقعیات اساسی اقتصادی ایست  
که این نکته مستفاد میشود که چرا این

ازرقام همواره چپای درست بهروزوی بوده  
و در عمل خط مشی بهروزوی رابه پیش برد  
است .

بهروزوی لبرال همواره کوشیده است  
تا از مذهب که خرده بهروزوی سخت بدان  
دل بسته است ، حد اکثر استفاده را بنماید  
و بر نامه های پیش پوشتی " اسلام " به  
خوردوی و توده های زحمتکش و ناآگاه  
خلق دهد و از طرف دیگر خرده بهروزوی -  
نداشتن شی و برنامه مستقل رادر طول  
این مدت بخصوصی به نمایش گذاشته است .  
کافی است به یاد آوریم که چگونه رهبری خرده  
بهروزوی جریان " فراندم جمهوری اسلامی "  
را نقطه پایان بحران ها و شبات اقتصادی و  
سیاسی میدانست بعد عین همین جملات  
راد مردم " مجلس خبرگان " تکرار کرد



برپایی ریفراندوم و ...

فرستادن هیئت حسن نیت به فریبده توده های ماروز بهیروزاد .

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایرا ( کوفه ) در این باره چنین می نویسد :  
 " راه انکار فرستادن هیئت حسن نیت ) هیئت حاکمه میخواهد به چند هدف زیر دست یابد :

- ۱- برعکس آتش بی و جلوه گیری از فروریختن پایه های ارتش .
- ۲- فرستادن بازماندگان ارتش و تجدید بندی آنها می سیاه باند اران .
- ۳- برعکس محبتی " اس " برای انجام فرزند مردم مربوط به قانون اساسی و انتخاب مجلس شورای شو - طوری که مردم کردستان نیز در آن شرکت داشته باشند .
- ۴- با از غره جلوه گیری از اوچگری حشش طاووس و سقوفرمیم .
- ۵- نال " ا " به " افرمان هجوم تا پیام " ( ۱۴۰۰ / ۵۸ )

وینده و از طرف دیگر قانونهاست " سردشت را سرسرا کاپشن فرومیرسد . رژیم ارتشکرو " نام " ایراورد " خواستهای خلق کرد میزند و " پیام تاریخی " صفرخندولی " هیئت حسن نیت " در برورد طرح مشترک خود مختار کردستان که ایسود سید علی دین حسینی " سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان " ایرا " حزبکهای فدائی خلق شاخه کردستان " ایران " حزبکهای فدائی خلق " شاخه کردستان " حزب دمکرات " ارانه شدفاست می گوید :

" حرکت به جمهوری اسلامی اعتقاد داشته باید و ما به " ا " این غرق روحانده می تواند در نسیسد کهای خود درونمانی را در مسائل ما را بر میدهد .

( مخبرانی صیانتان در دانشکده - علوم ارتباطات - کپهان ۲ آذرماه )

واقعیت اینست که حبش طاووس خلق کرد ، حبش ارتشکروها می بخش سراسر خلقهای ایران است و هیئت حاکمه نتیه می تواند صلح به این خلق بدهد .

زمن و به خود مختاری ، خلق کرد نیز بدین است که این حقیقت را دریافته و تحریم قاطعانه و یکباره " فرزندم کدائی قانون اساسی از جانب آنان بخوبی این حقیقت را ثابت می کند . اما با تمام این تفصیلات رژیم حاکم نتوانسته است با تبلیغات وسیع خود حول مسئله " صلح در کردستان " در بین توده های غیر کرد وجهه ای که نتا حد و زیاده از دست داده بود ، موکلا متحد نسبتا " زیادی برپایند و دردهای زحمتکشان نسبت به جنایاتی که در کردستان در پیشبری - هر چند موقت و گذرا - نگاه داشته و از این موضوع برای تصویب " ترها " خبرگان " خود جوید .

ج - جوارونجبال تبلیغاتی رژیم و نشریون در شرایط فقدان آزاد - بهیاری دمکراتیک :

فرزندم قانون اساسی در شرایطی برگزیده که از فعالیت آزاد نیروهای دمکرات و انقلابیون کمیونیت جلوه گیری شده ، کلیه مطبوعات ترقی و نیمه ترقی توفیق گردیده و مطبوعات ارتجاعی از قبیل " نبرد ملت " ، " جمهوری اسلامی " ، " مردم " ، " رنجبر " و ... برپا طرزتیا فروشان بر جای مانده و بدین ترتیب هیئت حاکمه که تمام وسائل ارتباط جمعی ( رایو و تلویزیون ، مطبوعات و ... ) را در اختیار خود گرفته است ، با تبلیغات دروغیمن و آرا موری خود و استفاده از تمام شیوه های کیف تند پرا افکار عمومی ، با هوجبگری ، با تحریک عواطف و احساسات مذهبی مردم صادران شعارهای از این قبیل که گویا قانون اساسی " خبرکشان

عد دصد " خدا مگر کاشی " ، " اسلامی " ، " انقلابی " و " امید مستضعفین جها ( ۱ ) میباشد ، سعی در پوشاندن ماهیت بغایت ارتجاعی ضد مردمی از جبهه صوم " خبرگان " نموده است .

شعبون نیز در این میان در جهت فریب افکار عمومی وزن مارکهای - کهه تنهائینده " خودشان است - به انقلابیون راستین خلق ، سنگ تمام گذاشته اند . نگاهش به ورق پاره های اینان که بر درود یورشهر جیبانده شده گسواه این امر است .

( چگونگی برخورد نیروهای سیاسی با مسئله فرستادن )

الف : موضع کمیونیتها و دمکراتهای انقلابی : مادر شماره قبل ولی همین مقاله تخمب که قانون اساسی موجود قانونیست که در جهت نابودی سرمایه داری وابسته بکاربرد و اساسان قانونی ارتجاعی و حافظ این نظام است . همچنین این موضوع که چرا حتی تشکیل مجلس مؤسسان بر سوم روزاری نیز مهیانه های واهی و مسخره - منتفی گردید و در این رابطه دلگرمیها و اعمال ضد دمکراتیک هیئت حاکمه را در مورد فرزندم مورد بررسی قرار دهم . با توجه به همه نکات فوق است که ما معتقدیم موضع کمیونیتها و نیروهای دمکرات انقلابی در برخورد به چنین رفتاری نمی توانست " اساسا " چیزی جز تحریم انقلابی باشد از جبهه نیروهای انقلابی تحریم تنده منوان از " سازمان یکپارده راه آزادی طبقه کارگر " ، " سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان " ، " ایران " ، " برندگان آزادی طبقه کارگر " ، " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " ، " سید عزالدین حسینی " ، " سازم " ، " شان " معاهد بین خلق ایران " ، " سازمان اسلامی " ، " هر چند در سازمان اخیر از بران نام تحریم احتراز جستند و چریکهای فدائی " نیز با کاربرد عناوینی چون " در کردن " و " امتناع " ، عمل " از تحریم فعال و انقلابی طغره رفتند .

اما در اینصورت باید نیروهای که بعنوان " اصرار " به قانون اساسی به دارن رای " معنی " اقدام نمودند گفتنیوا مثال میتوان از " اتحادیه کمیونیتها " نام برد . این گروه بدین آنکه دلیلی برای انتخاب این نامکینک خود ارائه دهد صرفا " با یکی بافنی و دمکراتیک قانون اساسی " چنین وچنان " است ، عملا " بر چگونگی تشکیل مجلس خبرگاه " بزنامه رژیم اراینده تاکنون برای تصویب این قانون ، سرکوب فعالیتهای اصرارگانه نیروهای انقلابی و خبیثت بازن " مجلس خبرگان " رسمیت بخشیده و عملا " آن تعداد رای های مثبتی را که در جنبش شریالیسی به صند و تها ریخته شده قبول نموده است . علاوه بر این دعوت توده ها به دارن رای " نه گذشته از آنکه به نظام رسمیت می بخشند خواست هیئت حاکمه را که کشاند توده ها به پای صندوق آرا " ، به نمایش گذاردن - لشکر توهم زده توده ناگاه است عملا " صف رای دهندگان را در راز کرده و به هیئت حاکمه وجهه بیشتری می بخشد .

مارکسمت - لنینیستها در افتخار تاکیک های خود به کلی باقی چنگ نمی زنند آنها همواره به " تحلیل شخصی از شرایط شخصی " دست میزنند . " اتحادیه " به همراه چند زره دیگره هنگام انتخابات مجلس خبرگان نیز با برخوردی در کماتنیسی واهیگونه کلی بافی و چنین وچنان " - خواندن انتخابات ، به تحریم آن دست زد . آنها در آن موقع می گفتند اما استفاده از ترمین " بورژوازی " کی " است . حتما " بزم آنها امکان استفاده از این ترمینون در شرایط فعلی " زیار " شده است که به شرکت در جنبش انتخاباتی میبزدند !!

واقعیت اینست که چنین برخوردی از جانب " اتحادیه کمیونیتها " نه تصادفی بلکه دقیقا " در ادامه نظریات راست روانسه

آن گروه بوده و ریشه در نقطه نظرات و مواضع ایدئولوژیکی دارد .

این گروه در نقطه دیگری برای " شوهرای " فرمایشی رژیم بزنامه میدهند و به این توهم دامن میزند که گویا توده ها می توانند با یافتاری روی آنها در جنبش شریالیسی حاکمیت انقلابی خود را در چهارچوب این سن شوهرای برانکنند . هر سران با در ولایت بورژوازی به " چه بهر از " روزی دیگر با گرایش سوی روز نویسیم " ارجلا دان - خلق کرد ، ترکمن ، عرب و ... گه میگذرد که جز " با انگهراها " حمایت " (!!) خود را از جنبش صلحانه مردم افغانستان اعلام داشته اند ولی در جهت تا " بین وسایل معاشی ناهندگان افغانی اقدامی نمی کنند " !!

واکون نیز جلادان خلق کرد را صند - امیرالهیست دانسته و سازمانها و گروههای م - ل را با قحاشی - ضمن برخوردی بدور از صند انقلابی - با آوردن " عماراتی " همچون " اظهارات شرم آور زندگانی " ، " بهکایان " و ... به ناسزا میگیرند .

( رجوع شود به حقیقت شماره ۴۷ )

گروه " اتحاد انقلابی برای رهایسی کار " ابتدا موضع خود را در مقابل فرزندم " دارن رای منفی " اعلام نمود ولی بعدا " لمسی اعلامیه ای تحت عنوان " ما و تحریم فرزندم " ( به تاریخ ۷ آذرماه ) موضع خود را پس گرفت . این اعلامیه اینکفرف میگوید :

... ما بر این عقیده بوده و هستیم که در شرایط کنونی ... شرکت در این انتخابات و دارن رای " منفی " درست - بی سیاستی است که میتوان در پیش گرفت . " ( تاکیک از ماست )

و از طرف دیگر میگوید :

" با توجه به اینکه اکثر نیروها و شخصیتها مترو و منجمه رهبران مارکسکورد اعلام تحریم فرزندم را کرده اند . در به منظور حفظ وحدت و یکپارچگی در صفوف مخالفان این قانون اساسی ارتجاعی وید اعمال آزادی و استقلال - ایران ، ما اتحاد انقلابی برای رهایسی کار " ، این فرزندم را تحریم می کنیم .

رفقا این موضوع را توضیح نمیدهند که چگونه یک گروه کمیونیتی می تواند موسیگیر خود را بر سر مسائل جامعه موکول به موضع گیری ، دیگر گروهها و نیروهای انقلابی نماید و اعلام کند که ما بر این عقیده هستیم که درست ترین سیاست ، هنوز رای " منفی " دارن است و تنها به دلیل در اقلیت افتادن به تحریم فرزندم دست میزنیم . ... در فرهنگ مارکسمتیی - به این شیوه برخورد چه نام می دهند !!

سازمان چریکهای فدائی خلق که بزعم خودشان " شکل گرفته ترین و رشدا قتمه ترین " جریان مارکسمت - لنینیست - ایرانند !! ( بهش سوی جاوره ایدئولوژیک ) در حالیکه بکفایت پیش از فرزندم از اقدامات ضد امپریالیستی روحانیت هارز برهبری - آیت الله خمینی ! تحلیل کرده و برای توطئه " حسن نیت " هیئت حاکمه " زبون در کردستان هورا کشیده و کد زده بودند ( قطعه نامه راه پیمائی ) فقط یک روز قبل از فرزندم ، از شرکت در فرزندم " ابراز امتناع " می کنند و قانون اساسی را " رد " می نمایند .

ب : موضع روز نویسمتها در مقابل فرزندم : حزب توده که بزنامه ها و تاکیکهایش را بر طبق نیاز و منافع روز نویسمتها " حزب - برادر " تنظیم میکند ، اکنون نیز - قانونی که ارتجاعی حاکم در ادامه عملکردهای ضد انقلابی " ضد مردمی اش " در ضحکه مجلس " خبرگان " در غیاب نمایندگان - کارگران ، دهقانان ، توده های زحمتکش شهری و زمین نمایندگان خلقهای کسود ترک ، عرب ، ترکمن و بلوچ به تصویب رسانیده ، صحنه گذاشته است . " کمیته - مرکزی " در پاسخ به این سؤال که چرا به قانون اساسی رای مثبت میدهند می نویسد :

" اول " ، درون آرایزیایی کنی ، غیر عزم نکات منفی یاد شده ، در مورد بخش قابل توجهی از اصول عده ، قانون اساسی توانسته است بطور مثبت سلطه بر وجهه را حل کند . از این قبیل است اصل میزان اقتصادی و اصولی که در زمینه تحکیم استقلال اقتصادی کشور و جلوه گیری از استثمار (!!) و تکمیل به زحمتکشان و در جهت قطع چنگال سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های غارتگر وابسته داخلی از دست های مهم و حمایت سیر میکند . ( اعلامیه " کمیته مرکزی " - شماره قانون اساسی " مردم " ۷ آذرماه تاکیک از ماست )

کمیته مرکزی " حزب لوزونین " تصویب قانونی که دست سرمایه داران بزرگ را در تاراج زحمتکشان همین ماهیجان بسیار گذاشته و بار و زوکیک و جمله باقیهای مردم بورژوازی ، براداره نظام سرمایه داری - وابسته مهربانید زده است و به آن مشروعیت

رای " نه گذشته از آنکه به نظام رسمیت می بخشد ، خواست هیئت حاکمه را که کشاند توده ها به پای صندوق آرا و به نمایش گذاردن لشکر توهم زده توده ناگاه است ، بر - می آورد و عملا " صف رای دهندگان را در راز کرده و به هیئت حاکمه وجهه بیشتری می بخشد .

۱ - ماده ۳۳ طرح مشترک چنین است : مطرطنی گرد ستار " ارتجاعی انتخابات آزاد ، مستقیم مخفی و همگامی " که گنبد کردستان تشکیل شود . این مجلس حکومت خود مختاری کردستان " بر " اداره کلیه اموراتی ، اجتماعی ، فرهنگی و انتظامی منطقه خود مختار بر خواهد گردید .

۲ - ضد ما از این مختصر ، تجزیه و تحلیل همه ای موضوع و عملکرد های این گسزوه بوده و این کار را به آینده موکول می کنیم .

۳ - اصل ۴۷ قانون اساسی میگوید : مالکیت شخصی که از راه مشروع (!!) باشد محترم است . ضوابط آتراقانون معین میکند همچنین جامعه شونده اصل ۴۴ قانون اساسی که شرح نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بهیروزاد .

۴ - دولت ایران و همچنین مراجع روحا بارها حمایت خود را از جنبش صلحانه مردم افغانستان اعلام داشته اند ، لیکن مردم اکنون بیش از صد هزار نفر از ناهندگان افغانی کمپراترشیست کتارسی خانمانساز رژیم کابل به کشور پایانه آورده اند ، در خراسان و مشهد سی سربازان رها شده اند - دولت ایران اقدامی در جهت تا " میس و سایر معیشت برای ایشان نمی کند !!

۵ - حقیقت شماره ۲۶ - البته ما نیز سازمانها ز قهرمانان خلق قهرمان افغانستان بر طریقه دولت ضد خلقی کارگرار سوسیال امپریالیسم روس حمایت می کنیم اما هرگز برای حمایت از این خلق مستند به دست به دامان هیئت حاکمه ضد خلقی ایران نمی شویم . این همان ترسه جها " - است که رخ می نماید . بقیه در صفحه ۱۹

# زنده باد لنینیسم!

(۱)

پاسخی به مقاله روزینویستیهای  
توده ای "حزب توده و همزمنی پرولتاریا"



لاه تر "تغییر دوران" توطئه  
خائنه‌های برای لگدکوب کردن  
لنینیسم است.

"لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم  
و انقلاب پرولتاریائی است، دقیقتر لنینیسم  
بطور کلی تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتاریا-  
یی و بطور خاص تئوری و تاکتیک دیکتاتور  
پرولتاریا می باشد.

(استالین - درباره مسائل لنینیسم  
ص ۱۸۱ منتخب آثار)

شعار "پرولتاریا و خلقهای ستمدیده  
جهان متحد شوید"، حرکت طبقه کارگر  
کشورهای گوناگون را اساس و محور انقلاب  
دست و پا این کار این اصل اساسی  
مارکسیسم را که "انجام امر آزادی جهان  
رسالت تاریخی پرولتاریا می نین است"  
(لنینس، تکامل سوسیالیسم از خصل به  
علم) ارتقا بخشید.

روزینویستیها میگویند تا از طریق نفی  
دروانی که لنین قوانین آتروپیان داشته  
است، زیرا که اردن آن قوانین را توجیه  
کنند. جوانشیر در کتاب "مانویستیها از تاب  
آن در ایران ضمن اعتراض به نظرسر  
حزب کمونیست چین در ۱۹۶۰ که به  
درستی متذکر شده بود دوران ماحارست از  
دوران امپریالیسم، دوران انقلاب پرولتری  
دوران همزمنی سوسیالیسم و کمونیسم" با  
تسخیر می گوید: "از تسخیر تحریف دوران و  
معمری آن بعنوان دوران امپریالیسم  
مانویستیها در خط مشی عمومی جنبش  
جهانی تجدید نظری کردند و میخواستند  
آنچه راه قبل از انقلاب اکتبر در  
دوران امپریالیسم درست بود، در زمان ما  
نقض از آنکه نیم قرن از پیروزی اکتبر  
می گذرده صحیح فکرا کند" (ص ۴۷)  
بدین ترتیب روزینویستیهای مابا این ادعا  
که لنینیسم قبل از انقلاب اکتبر درست بود  
به بهانه تسخیر دوران درجانی علم رهایی  
پرولتاریا تجدید نظری کنند.  
حال به بنیم لنین چه می گوید و آیا واقعا  
ناقبل از انقلاب اکتبر دوران، دوران امپری-  
الیسم بود و یا روزینویستیها بیشتر مانوی-  
ستی دروغ می گویند. "سپست بندی معمولی  
به دورانهای تاریخی که اکثر آنها در  
ادبیات مارکسیستی ذکر شده و مکررا توسط  
کاشتکی تکرار شده و در مقاله پرتوسف  
استناد شده بدینقرار است: (۱) ۱۸۷۱-  
۱۹۱۴ (۲) ۱۹۱۴-۱۹۱۷ (۳) ۱۹۱۷-  
۱۹۱۸ (۴) ۱۹۱۸-۱۹۱۹ (۵) ۱۹۱۹-۱۹۲۰  
در اینجا ما باید هر جای دیگری در لنینیسم  
و اجتماع، مرز بندیهای قراردادی و تعبیر  
نسبی ونه مطلق می باشند، مهم ترین  
هرجسته ترین وقایع تاریخی را فقط  
بطور تقریبی بعنوان نقطه عطف در جنبشهای  
تاریخی مهم اختیاری کنیم. اولین دوران  
از انقلاب کبیر فرانسه تا جنگ فرانسه، پرور.  
دوران تعالی بورژوازی و همزمنی آنتیست  
این دوران فراز بورژوازی دوران جنبشهای  
بورژوا - دموکراتیک بطور کلی و جنبشهای  
بورژوا - ملی بطور خاص، دوران سقوط  
سریع موم سنت مطلقه و نفوذ فئودالیسی  
است. دوران دوم - دوران طغیانه کامل  
فوزال بورژوازی، دوران گذار از خصلت  
تفرقی بورژوازی به خصلت اجتماعی وحشی  
بعنائین ارتجایی، سرمایه ملی است این  
دروانی است که یک طبقه نوین، دموکراسی  
مدرن در حال تدارک و جمع آموری تدریجی  
قنواست. دوران سوم که تازه آغاز شده  
روزینویستی چون جوانشیر می شمرانند  
ادعای کنند که قبل از انقلاب اکتبر  
۱۹۱۷ تا ۱۹۱۸ یافته است یعنی لنینیسم  
که مارکسیسم عصر امپریالیسم کمتر از  
سال بعنوان علم رهائی پرولتاریا محسود  
میشود، زهی بیشتر می.

روزینویستیسم معاصر ما یکی است. جلوگیری  
از انقلاب خلقها پرولتاریا جهان، با  
تنبی کردن (م-ل) از مبارزه طبقاتی  
و نفی دیکتاتور پرولتاریا و نشاندن تسخیر  
آشتی طبقات بجای لنینیسم به بهانه  
تغییر دوران. و چنین است که  
روزینویستیهای توده ای در مقاله "عصر  
توده و همزمنی پرولتاریا، دم ارتجایی  
دوران زده و مزبورانه دهه‌ها می کنند  
که در مقیاس جهانی همزمنی پرولتاریا تا همین  
نده است. "ما را راستی، ما در جبهه  
دروانی سمری بریم و آیا دوران ما از آنچه  
که لنین گفته بود تغییر کرده است؟

ما روزینویستیسم بدوین محمل تئوریک فاکتور  
به این جنایات تحقق بخشید، پس میگویند  
مارکسیسم را تحریف کند، اکتیویسم را جایگزین  
دیالکتیک کند و بهر صورت همزمنی طبقاتی  
غیر پرولتری را بر پرولتاریا امکان پذیر سازد  
بدین ترتیب او برای اینکه تحریف مقولات -  
مارکسیسم و عملکرد تئوری روزینویستی اش را  
که در مقابل (مارکسیسم - لنینیسم) میباید  
توجیه کند، بهشت "شرایط ویژه"، "پنجاه  
ششود او سخن از این می گوید که "دوران  
تغییر کرده است" پس تغییراتی بایستی  
در تاکتیک و استراتژی و عبارات بهتر  
تشیبانی بایستی در لنینیسم صورت بگیرد.  
این چنین است که در خشان ترین مفاهیم  
انقلابی (م-ل) آن مقولاتی که  
انقلاب را به ارفغان می آورد، تحریف  
می شوند. کاشتکی نیز از این راه به  
قلب و تحریف مارکسیسم دست زد.

پس از حاکم شدن روزینویستیهای خائن  
بر حزب و دولت شوروی و تبدیل این کشور  
از دژ مستحکم پرولتاریا به کشوری بورژوازی  
امپریالیستی، در اساسی ترین مقولات  
(م-ل) تجا بد نظر بعمل آوردند  
و تمام این تحریفات را بعنوان "تغییر  
همزمنی جهانی" پرولتاریا تا همین  
نده است و "دوران تغییر کرده است" و  
"اکتور دوران گذار از سرمایه داری به  
سوسیالیسم است در حالیکه دوران لنین عصر  
امپریالیسم بود". توجیه کرده اند. بدین  
ترتیب آنان لنینیسم یعنی مارکسیسم  
عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری را -  
لگد مال نموده برضد آن توطئه کرده و میکنند  
اصولا "روزینویستیها" برای توجیه  
خیانتهایشان به خلقهای جهان همه  
مارکسیسم - لنینیسم همیشه از هر چه  
که تده تغییر دوران استفاده کرده اند. و  
راهی را که فرخوشچاف خائن پیچود  
اکتور خائنین مزدوری چون تنگ شمشیر  
پینگ و هوا کونگ بصورتی دیگر می بینانند  
هرای توجیه خیانتشان به راهم دم از -  
تغییر دوران می زنند. هدف هر سرد و

پس از حزب تمام خلقی و دولت تمام  
خلق میزند. "اواز همزمنی طبقه کارگر  
بخاطر آنکه تنها شرط پیروزی انقلابات  
مسترد پس رهبری انقلاب دموکراتیک را  
به بورژوازی و خرد بورژوازی سپرده  
در مدح این طبقات که قادر به پایان بردن  
انقلاب نیستند تئوری روزینویستی "راه رشید  
غیر سرمایه داری" را می سازد. او مسدود  
کار امپریالیسم است پس دم از همزمنی  
مسالمت آمیز احزاب کمونیست کشورهای -  
تحت سلطه و در پثر احزاب کمونیست بسا  
امپریالیسم می زند. . . .

عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریا با تعیین

الف - عصر ما کماکان عصر  
امپریالیسم و انقلابات پرولتری  
است.  
"استراتژی و تاکتیک لنینیسم علم رهبری  
جنگ انقلاب پرولتاریاست"  
(استالین - درباره اصول لنینیسم)

عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری لنین  
بر اساس درک طبقاتی و انقلابی برای تسخیر  
دوران کنونی حرکت کرده و می گوید آنچه  
در این مورد اهمیت دارد اینست که کدام  
طبقه در مرکز این با آن عصر قرار گرفته و ضو  
اساسی وسعت عمده تکامل و مهمترین ویژگی -  
های موقعیت تاریخی و غیره را در هر دوران  
مفروض تعیین می کند. (لنین بزرگ  
پرچی در روشن) و آنگاه لنین بر اساس  
تعیین مشور اساسی عصر نوین بخانه  
عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریا با تعیین



زنده یاد لنینیسم

پرولتاریات است. این حقیقت در سال ۱۹۱۷ در قیاس جهانی تأیید شده است (ص ۳۴) منتخبات آثار لنین انقلاب اکبر یعنی سندی برای تأیید دوران بعثت دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتری می آورد. روزیونیتها با استفاده از این دلیل به نفع این "بر" برس - برند - تجدید نظرطلبی همین است! (البته در اینجا ماهوزیراج به تبدیل شهری به یک کشور سوسیال امپریالیستی سخن نمی گویم) لنین با گفتن اینکه "امپریالیسم سرمایه - داری در حال مرگ و گذار به سوسیالیسم است" (امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم) نافوس پرافتخار سرحدید یعنی دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتری را به صد آورد. لنین امپریالیسم را از انقلابات پرولتری جدا می داند (انگیزه که خاستگی

است که بین آن سوسیالیسم و پرولتری است. این حقیقت در سال ۱۹۱۷ در قیاس جهانی تأیید شده است (ص ۳۴) منتخبات آثار لنین انقلاب اکبر یعنی سندی برای تأیید دوران بعثت دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتری می آورد. روزیونیتها با استفاده از این دلیل به نفع این "بر" برس - برند - تجدید نظرطلبی همین است! (البته در اینجا ماهوزیراج به تبدیل شهری به یک کشور سوسیال امپریالیستی سخن نمی گویم) لنین با گفتن اینکه "امپریالیسم سرمایه - داری در حال مرگ و گذار به سوسیالیسم است" (امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم) نافوس پرافتخار سرحدید یعنی دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتری را به صد آورد. لنین امپریالیسم را از انقلابات پرولتری جدا می داند (انگیزه که خاستگی



لنین می گوید اهمیت هر دوران در اینست که کدام طبقه در مرکز این یا آن عصر قرار گرفته و موضوع

اساسی و سمت عمده تکامل و... را در هر دوران

تعیین می کند. اما رویزیونیستهای مدعی تأمین هرگز مونی پرولتاریا بر جهان با تزه های راه رشد غیر سرمایه داری و... عملاً بورژوازی و خرده بورژوازی را در مرکز این دوران قرار می دهند.

البته در عصر امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه خرده بورژوازی متحد پرولتاریا بوده و تاجمهوری دموکراتیک خلق و حدت اراده دارند. اما اگر رهبری در دست پرولتاریا نباشد خرده بورژوازی با رهبری خوبی انقلاب را به شکست می انجاماند و سلطه امپریالیسم را در باره برقرار خواهد ساخت. پس از جنگ جهانی دوم (قبل از جنگ روزیونیتهای خروشجویی و جهانی به خلقهای جهان) تغییرات عظیمی بی سود خلقها بود سوسیالیسم در جهان پیش آمد و کشورهای متعددی بتوسی سوسیالیسم روی آوردند. اما روی آوری این کشورها خود بخوبی درستی تزلزل منبتی براینکه دوران ما عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری است اثبات کرد. اما خرده طبقه بهانه تغییر شرایط تاریخی پس از جنگ نتیجه گیری می کند که در جهت جاز به با انقلاب ونغی است او ادعای کند که گویا در نتیجه تغییر تناسب قوایین الطلسر خاصیت امپریالیسم و رتجاج و هم چنین قانون جازرات طبقاتی تغییر کرده است راه عمومی انقلاب با کبر و احکام مارکسیسم - لنینیسم در باره انقلاب پرولتری دیگر گفته شد ما است (انقلاب پرولتری روزیونیتها خروشجویی هشتمین تغییر از زمان سرگذارد کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی - ص ۲۶) نقل از کتب

طلبی و سیاست امپریالیستی روسی نیست. بعداً تأکید می کنیم که خلعت خرده بورژوازی حتی در زمانی که همزونی پرولتاریا در یک کشور نیز تا صحن شود (با در لح جهانی) تغییر نمی کند (طبقات بر مبنای نقشه در شیوه تولید شخصی می گردند و بر مبنای همین رابطه اجتماعی خلعتهای شخصی نیز خواهند داشت. بنابراین قبول این مطلب که خلعت خرده بورژوازی تنها تغییر یافته است که میتواند انقلاب دموکراتیک را به سرانجام برساند بدون آنکه رابطه خرده بورژوازی با تولید اجتماعی تکریمه باشیم به نفع مارکسیسم برخاسته این زمین بر مورد نیروی که سرمایه داری را متوقف سازد انقلاب سوسیالیستی نخواهد شد چنین می گوید: "دیکتاتوری پرولتاریا - دروغ ترین و... اما نترس جنگ طبقه جدید طبقه دشمن مقتدرتر یعنی بورژوازی است که مقاومتش پس از سرنگونی او در یک کشور ده بار از منورتر گردیده و اقتدارش تنها ناشی از نیروی سرمایه بین الطلسر - سوسیالیسم است و روابط بین الطلسر - بورژوازی نبوده بلکه ناشی از نیروی عادت و نیروی تولید کوچک نیز هست. زیرا تولید کوچک متا - سفید هنوز در جهان زیاد و بسیار هم زیاد است و این تولید کوچک - است که همواره همه روزه و هر ساعت بطور خود بخودی و مستقیم وسیع سرمایه داری و بورژوازی را به پی می آورد (تأکید فقط جمله اخیر از کتاب) بنابراین مجموعه این طلسر دیکتاتوری پرولتاریا ضروری است و پرولتری پرولتاریا بدون یک جنگ طولانی سخت و حیاتی و ممانتی جنگی که مستلزم باید باری انضباط استقامت و تزلزل ناپذیری و وحدت اراده است امکان پذیر نیست" (بهاری کوکبی و چپ روی در - کمونیسم ص ۲۳۶ منتخبات آثار) بدین ترتیب یک اثر در دوران نیز تغییر کند و از عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری به عصر سوسیالیسم گام بگذاریم. باز هم می بینیم که خرده بورژوازی باستی تحت تابعیت دیکتاتوری پرولتاریا در آید

لنین امپریالیسم را جدا از عصر انقلابات پرولتری و گذار به سوسیالیسم نمر باند اما رویزیونیستها برای جلوگیری از انقلاب مدعی می شوند که عصر امپریالیسم سپری شده است و اکنون دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است!

و کمونیسم در قیاس جهانی است" (تاریخ حزب کارگرایان) - بدین ترتیب - سب رویزیونیستها ی خاش به بیانه تغییر دوران از گفته شدن مؤلفین لنینیسم سخن می گویند. گوی "تغییر زرفی" صورت گرفته ، بطوریکه ماهیت تمام پدیده های جامعه را تغییر داده است! آری ، بزعم رویزیونیستها ی خروشجویی دوران تغییر کرده است. رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک باستی جای رابطه رهبری خرده بورژوازی با بورژوازی بسیار ، انقلاب فهرامیز جای خود را به گذار سلامت آمیز می دهد چرا که بخاطر تغییر دوران ، بورژوازی حاضر شده است قدرت را بدستی می یابد و احترامات مانده به پرولتاریا تحویل دهد. آری "شرایط عوض شده" حالا همه گرگها میش شده اند و تمام دشمنان طبقاتی پرولتاریا دیگر با رجان جافسی پرولتاریا شده اند. . . . چنین است که "حزب توده" نیز از تغییر دوران سخن می گوید که آری در واقع تغییر کرده و همزونی پرولتاریا جهانی تا همین شده است. در نتیجه میتوان از رهبری خرده بورژوازی سخن گفت. جدا از آنکه سخن خواهیم گفت مقصود از تأمین همزونی پرولتاریا جهانی چیزی جز سوار

روزیونیت خروشجویی اعلام کرده اند تا امپریالیسم را از گزند انقلاب نجات بخشد. "رشد هزینه زندگی و افزایش ستم سد یکگاه (توسعه از انحصارات) در نتیجه رشد ستم سرمایه داری بر طبقه کارگر. موانع عظیم در راه سازگاری و سیاسی طبقه کارگر ، هیولای جنسک. امپریالیسم و صمیمیتها و بیانی ناسی ازان ، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را بدل به عصر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا می نموده اند. (لنین - مفاد مربوط به اصلاح برنامه حزب ۱۹۱۷ تأکید از کتاب) درست برعکس رویزیونیتها به نفعی دوران لنینی برخاسته و خواسته اند در حالی را چنانستین آن سازند. لنین موکداً بیان می کند که میان دوران امپریالیسم (که ایشان انقلابات پرولتری است) تا دورانی که سوسیالیسم بر ماسر جهان برچم سرح داد و جنگش را وسیع اهتر از راه آورد. در نتیجه از دوران دیگر نمی توان گفت - بقول لنین سرمایه داری انحصاری و ذاتی (بهانه آخرین مرحله رشد انحصارات و امپریالیسم) ندارد مگر کاملی است برای سوسیالیسم ، استانی سوسیالیسم ، بلکه ای در زمان تاریخ



بن مقاله در مهربام در پاسخ مقاله ای از روزنامه "مردم" که در دانشگاه بصورت چاپ شده بود نوشته شده ، اما تمام مقاله ما در دانشگاه نصب نگردید ، بخاطر اهمیت پاسخ به تزویزیونیتی "تغییر در دوران" ما مقاله فوق را بصورت نه نه دار - و کامل در در چاپ میکنم -

زخمی می کنند و در ظاهر همان روز به - و حیانه ترین شکنج مباردت به اخراج - عده ای از دانشجویان و استادان مینمایند پس از صلیبات جنون آمیز و وحشیانه جامعه در جلوی درب دانشگاه متحصن شدند و ونغی یک قطعه نامه "ماده ای خواستار مجازات و محاکمه سببین این اعمال" به دانشجویان یعنی همان چهره های شناخته شده و معلوم الحال می گردند. این بجا رگان که دانسته یادانسته اب به اسباب امپریالیسم میریزند ، باید بداند که دانشگاه همیشه سنگ - آزار می بوده و خواهد بود ، اینان باید

گزارشی از... دانشگاه و کمونیت

دانشگاه شروع به دادن شعار "چپ راست" نبوده است ، اسلام پیرو است - کردند ونغی یک قطعنامه شفاهی اعلام نمودند که به هیچ گروه دانشجویی - عبارات "جامعه اسلامی" (که خودشان باشند) اجازه فعالیت نخواهند داد - همان تب و تحشیانه به چند نفر از دانشجویان در سلف سرویس حمله نموده و آنها - را به شدت - خروج مینمایند. روز بعد از مراسم آنها با حمله فاشیستی خوش به نای دانشگاه کتاب "دانشجویان پیشگام" که به مدت یک هفته صحنای بزرگداشت ۶ آذر برگزار شده بود ، چهره زنت خود را بهتر از پیش به دانشجویان نشان میدهند. در جریان حمله آنها پوسترها ، پلاکاردها پاره کرده و عده کبری از دانشجویان را آلات مختلف که جلا آماده کرده بودند

تهدای ۱۶ اثر تحلیل بعمل آمد. . . . پس یکی از اعضای دانشجو را به نوا یح سال ۳۲ و ملگرد نیروها در آن سال وسالها بعد سخنرانی نمود. پس از آن چند شعر از خسرو گهرسرخ و همچنین پیام دانشجویان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کرمان خوانده شد. در حین اجرای برنامه گروه انحصار طلب مشهور محس میگرد برنامه را به هم بریزد که هشجاری توده های دانشجویان مانع میشد و در پایان برنامه آخرین تلا نشان را برای لوت کردن برنامه دانشجویان با شاعران اتحاد ، مبارزه ، پیروزی "کننده و مدکم پاسخ گفتند. آنها خجالت زده پس از انجام برنامه در خیابان روه روی امتی تا "تیسر

بدانند که رژیم سواد و مغفرت شاه - هیچ نتوانست صدای حق طلبانه دانشجویان مبارز را خفه سازد ، این اعمال فاشیستی ، اگرچه در کوتاه مدت می تواند شکلاتی بر سر راه انقلاب باشد اما راه مبارزانه است و هر روز بهتر از پیش چهره کریم ارتجاج را ترند توده ها عیان تر خواهد ساخت هر چه کشته شده - در باره جنبش - شد امپریالیستی دانشجویان انقلابی - دانشجویان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (دانشگاه کرمان) ●●

رویزیونیستها را افشا و طرد کنید

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر



# دعوت‌های رای‌گیری چه می‌کنند؟

## گزارشی از چند منطقه رای‌گیری در تهران



آنچه در دو هفته اول به چشم می‌آمد خلوت بودن خیابانهای شهر و تعداد محدود رای‌دهندگان بود. در تلویزیون نگاه به سیزده حوزه‌های نازی آباد، جوادیه، میدان امام حسین و نظام آباد به زمت صفا می‌آید. تقریباً نیمی از رای‌دهندگان در این مناطق بودند.

در یکی از حوزه‌های جوادیه بلندگوی مسجد به مدت چندین فعالیت و تبلیغ حول قانون اساسی و متن تشریحی آن بود و مقام مردم را به رای‌دادن دعوت می‌نمود. صفا می‌آید رای‌دهندگان به کد و نیمی از رای‌دهندگان در این مناطق بودند. در یکی از حوزه‌های نازی آباد، جوادیه، میدان امام حسین و نظام آباد به زمت صفا می‌آید. تقریباً نیمی از رای‌دهندگان در این مناطق بودند.

واژمن آن اطلاع کافی بدادند. آنچه که واضح بود این مسئله بود که در این صفا ما از تحریم کنندگان اثری نخواستیم یافت و همه بر رای‌دادن آماده‌اند. (البته استثناً) به یکی در تبریز خبری در کردیم که اظهار کرد رای نخواهند داد. در یکی از حوزه‌های نازی آباد صفا حساسی آقای که مسئول مهر کردن شناسنامه بود و این صحبت ندم پس از تشریح رای‌دهندگان اساسی و مناقصه مستضعفین حاجی، از شهرستان آمده ام، شناسنامه ام را یادم رفته پیامر شناسنامه‌ها را شناسنامه رای‌دهندگان نه افاد درست نیست. یابکی در تاحطه دیگر که به هم تحویل می‌دهیم به آقای معرفی می‌شود که نزدیک صندوق رای نیستند و حضرت آقای گوید اشکالی ندارد، جسوس ظاهره داری حتماً رای بدهی یا کارت شناسایی هم اشکال ندارد. و من می‌روم تا کارت شناسایی ام را بیاورم! نوی حوزه‌های نظام آباد و وادیان بحث پنج - شش نفره می‌شود ظاهره هیچکدام از موضع مخالفت کامل با قانون اساسی صحبت نمی‌کنند ولی یک نفر با فضا اینک به خاطر امام رای می‌دهد و بدهد.

به اصل مالکیت شروع و آزادی مطبوعات و مجالس حلقه می‌کند. یکی دیگر بر بالحن بی تفاوت و بصورت خبری می‌گوید که در کردستان و ترکمنستان رای نمی‌دهند. ۴-۵ ساله ای که قیافه اش به بازارها خود با عصیانیت و خنده تشنگان می‌برد توی حرفش که، به درک ما خودمان نفر ده تارای ای هم می‌دهیم من خودم همین امروزه تارای دارم!! در حوزه‌های مختلف موفق می‌شویم که تقریباً ۱۰۰ نفر درباره قانون اساسی صحبت کنیم

در روز اندام شرکت می‌کنید؟ چه رای می‌دهید؟ چه چه دلیل این رای را می‌دهید؟ این سئوالی بود که با اشخاص مختلفی در حوزه‌های متعدد رای‌گیری مطرح کردیم و اینک برخی از جوابها: "بنا بر اینکه همه مردم شرکت می‌کنند، رای مثبت می‌دهم و هم چون امام گفته، بنا بر سرکوب اجانب و انتخاب رئیس جمهور" (مردی حدود ۴۰ ساله - میدان امام حسین - تخیل مقلعه کار)

"بنا بر اسلام شرکت می‌کنم و رای مثبت می‌دهم چون آقا گفته " (مرد - کاسکبار حوزه جوادیه) "رای مثبت می‌دهم چون این دولت بهتر از دولت زمان شاه سابق است (کارگردان آموزش و پرورش بازنشسته - حوزه نازی آباد) "رای مثبت داده ام، چون امام خمینی و اسلام را قبول دارم و نسبت به اسلام - متولیم و باید برای حفظ آن بکوشم" (دانشجوی حوزه علمیه قم - دختر - حوزه نازی آباد)

"رای مثبت می‌دهم بخاطر اینکه کومینتها تحریم کرده‌اند، اصلاً کافی است اینها (کومینتها) بایک چیزی مخالفت بکنند تا من موافقت کنم" (دانشجو - حوزه میدان امام حسین) "رای مثبت می‌دهم، هر چند تا حالا از دولت خبری ندیده‌ام ولی انشاءالله با قانون اساسی همه چیز درست می‌شود" (پسر ۱۸ ساله محصل - حوزه جوادیه) "من کلاً این قانون اساسی را قبول ندارم و الان هم مردم که چرا رای منفی نداد پولی بخاطر این تیراگرهای خاص برای آنکس رهبری انقلاب تضعیف نشود رای مثبت دادم. رای مثبت در این شرایط یک وظیفه ملی است" (شوقا کارگر - فعال - پیکار - حوزه عزت آباد)

"رای منی دهم، این قانون اساسی به نفع مردم نیست اصل مالکیتش به نفع سرمایه داران است. اصلاً این عاصمه بعصرها دارند. جرفا چیزهایی که فلا گفته اند دارند عمل می‌کنند شوهرم هم با آنکه مخالف است ولی چون نسوی نیروی هوایی کار می‌کند مجبوراً است رای بدهد" (خانم خانه دار - حوزه نازی آباد)

"والله صبح توی رادیو گفتند بروید رای بدهید ما هم آمدیم، ما درجه هاهامی می‌دهد" (پیروزی در تانکس خلبان کارگر)

در یکی از حوزه‌های جوادیه به آقای کارمند مانی برخورد کردیم که در ابتدا خیلی با احتیاط صحبت می‌کرد و اصل بحث نمی‌شد بعد از امداری صحبت کم کم زبانش باز شد که: "من با این قانون موافق نیستم، این مسخره بازیهای خبرنگاران توی تلویزیون دیده‌ام اما توی اداره می‌گفتند اگر مهربانان را روی شناسنامه نخورد بعد هابریان بد می‌شود بخاطر همین آمده ام رای بدهم" جوانی که تقریباً عمومیت بیشتری در رابطه با این سئوال داشت (رای دادن بخاطر امام) - بسود.

نظراتی دهنده گانی را که با آنها صحبت می‌کردیم نسبت به متن قانون اساسی و دولت جوامعیم، این رای دهنده گان تماماً رای مثبت داده بودند.

"قانون اساسی را خودم مطالعه نکرده‌ام ولی تا آنجا که از رادیو و تلویزیون شنیده‌ام، خوبه، واضح و احوال مناسب به گذشته بهتره شده هیچ بدتر هم ندیده، گرونی بیگاری، بی پولی بیشتر شده اما انشاءالله درست می‌شه بعد از رئیس جمهور انتخاب کنند تا دولت محکمتر شه، درست شه" (کارگر تعمیرگاه ماشین - جوادیه)

"این قانون اساسی با همه عیب‌هایی که دارد به نفع مردم است (فقط اصل مالکیت آن اشکال دارد، این قانون اساسی جلوی سرمایه دارها را نمی‌گیرد، اینها به خیلی از خواسته‌های مستضعفین جواب نداد ولی بالاخره پدر این مستکبرین راد می‌آورد اگر نکند خودشان ازین میروند" (کاسب خرده پا - حوزه نازی آباد)

"قانون خوبی است آزاد پاران تا حدی تا من کرده هر چند که اشکالاتی هم دارد، اصولی دارد که درست نیست انشاءالله در رستم درست می‌کنند، قیمت‌ها خیلی بالا رفته، توی کردستان هم معلوم نیست چه شده و چرا الان دارند مذاکره می‌کنند" (کارمند آموزش و پرورش - حوزه نازی آباد)

"این قانون حقوق زنهار را ندیده‌ام گرفته فردا براس این قانون می‌توانند بگویند که زنهار باید بشنوند توی خانه و بچه داری کند" (دختر دانش آموزی که رای نداده بود - حوزه نازی آباد)

"قانون اساسی کلاً اصلاً می‌است البته مسلم است که بسیاری مسکن ندارند و بیگار و قیمت‌ها هم مرتباً بالا می‌رود ولی کس باید به هیئت حاکمه فرصت داد، این کومینتها نمی‌گذارند دولت کارش را بکند، البته مسلم است که تلوی می‌کند تا اشکال برطرف شود، مایک رهبرها هوش و زرنگی داریم که همه کارها را بزودی درست می‌کند. کشور و پشام ۳۰ سال جنگیده، چرا بنقد رجشرا تلوی کنید؟ برای اینکه یک رهبر درست و حسابی نداشت" (دانشجویان ایران تاسویان یا طارگری که همراهم خانوادگی بود صحبت کردیم. زن از قانون اساسی و هیئت حاکمه دفاع می‌کرد در جواب این که قانون اساسی را خوانده جواب نه داد و گفت همین که از خوانده کافی است آقای داده و گفته شما هم بدهید. شوهر منظر مخالف داشت و می‌گفت که رای نمی‌دهد، گفت در دوران طاقت نراه و دربار می‌زدیدند، هزارها فرد بگیرم می‌چاپید توی حالا که وضع ما از سابق هم بدتر شده، همه چیز گران شده حرفه اضافه دست‌دراهم نمی‌توانیم بزنیم، جرات نداریم نفس بکنیم ما از کارا چرا جان کند و توی این بیگاری نمی‌دانم که چه خاکی به سرمان - بکنم، فکر می‌کردیم که بعد از انقلاب کارهای ما افتد دست مردم حالا می‌بینیم که اخوند ها حکومت می‌کنند."

تقریباً اکثر افراد مورد صحبت قبول داشتند که تعداد رای دهنده گان از تعداد پیش‌گزارست در حوزه نظام آباد مردی ۵-۴۰ ساله اظهار می‌داشت که بعضی ها رای نمی‌دهند ولی تعدادشان کم است، در ترکمن صحرا و ولوجستان و کردستان رای نداده‌اند، بعضی از پولدارها هم رای نمی‌دهند ظلم شریعت‌داری، کومینتها هم رای نمی‌دهند ولی حزب توده گفته که رای می‌دهد در جواب اینکه نظر آنها را چه می‌دانند توده ایها چیست؟ همین مردمی گفت "البته اینها نیست سرمایه‌دارانند به این امید که به نفعی برسند. ماقبولشان نداریم ولی بگذار ببینیم"

تقریباً ۳۰ ساله در یکی از حوزه‌های نازی آباد می‌آید که رای می‌دهد و اینها اشاره می‌کند گفت: "اینها هر قدر سرمایه دارها هستند موقع مبارزه بعد از این نبود حالا پیدا کرده اند و خودشان را خط امام هم می‌دانند رای مثبت دادند اما هم به خاطر اینست که اجازه فعالیت داشته باشند"

تقریباً ۳۰ ساله در یکی از حوزه‌های نازی آباد می‌آید که رای می‌دهد و اینها اشاره می‌کند گفت: "اینها هر قدر سرمایه دارها هستند موقع مبارزه بعد از این نبود حالا پیدا کرده اند و خودشان را خط امام هم می‌دانند رای مثبت دادند اما هم به خاطر اینست که اجازه فعالیت داشته باشند"

تقریباً ۳۰ ساله در یکی از حوزه‌های نازی آباد می‌آید که رای می‌دهد و اینها اشاره می‌کند گفت: "اینها هر قدر سرمایه دارها هستند موقع مبارزه بعد از این نبود حالا پیدا کرده اند و خودشان را خط امام هم می‌دانند رای مثبت دادند اما هم به خاطر اینست که اجازه فعالیت داشته باشند"

تقریباً ۳۰ ساله در یکی از حوزه‌های نازی آباد می‌آید که رای می‌دهد و اینها اشاره می‌کند گفت: "اینها هر قدر سرمایه دارها هستند موقع مبارزه بعد از این نبود حالا پیدا کرده اند و خودشان را خط امام هم می‌دانند رای مثبت دادند اما هم به خاطر اینست که اجازه فعالیت داشته باشند"

تقریباً ۳۰ ساله در یکی از حوزه‌های نازی آباد می‌آید که رای می‌دهد و اینها اشاره می‌کند گفت: "اینها هر قدر سرمایه دارها هستند موقع مبارزه بعد از این نبود حالا پیدا کرده اند و خودشان را خط امام هم می‌دانند رای مثبت دادند اما هم به خاطر اینست که اجازه فعالیت داشته باشند"

قانون اساسی خبرگان، زنجیری است به پای زحمتکشان  
 ارشیو - اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
 www.peykar.org

شماره ۴ :  
 ۱۳ آبان  
 منتشر شد!

# مشق چریکی به چه می انجامد؟

(۱)

اگر نماندگان طبقات دیگره جنبش پرولتاریائی بیوندند، قبل از هر چیز آنان طلب میشود که بغایای پیروزی و خرد پیروزی و اعتقادات باطل نظیر آبرایا خود همراه نیایند، بلکه بدون قید و شرط جهان بینی پرولتاریائی را قبول کنند. ( نقل از ) تفسیر نهیمین تفسیر

مسئله روشن است، سازمان (م-ل) یا حزب دارای وحدت اراده است یا نیستی بدون قید و شرط یک خط بران حاکم باشد. عنوان کردن تضاد درون خلق در یک سازمان (م-ل) بمعنی وجود فراکسیونسم و در نتیجه بد رفتن چندین مرکز در حزب، یا سازمان (م-ل) است و وجود

## نقدی بر "قیام و اکونومیستها" سازمان دانشجویان پیشگام

اما این طبقات که تا مرحله انقلاب دموکراتیک وحدت اراده دارند، آیا می توانند از یک سازمان بعنوان نمایندنده نظرات خویش برای مبارزه طبقاتی استفاده کنند؟ مارکسیسم - لنینیسم به این سؤال جواب منفی میدهد و رویزونیستها جواب مثبت میدهند. این جواب تمام خلق می کنند و کمونیستها به حزب و یا سازمان (م-ل) (م-ل) مشابه آلت مبارزه طبقاتی پرولتاریائی نگردد. طبیعی است با نیروهای

و از آنجا که این روشنگران عموماً از پایه های خرد پیروزی جامعه برمی خیزند و از آنجا که در خرد پیروزی دو طبقه اصلی جامعه برندی خود را از دست می دهند. خرد پیروزی بدون یک درک طبقاتی و از دیدگاه همه خلق بدون شخص کردن مرزها طبقات میان این "خلق" است که حرکت می کنند. . . دید تمام خلقی در کنار حرکت جدا از خود، بعنوان دو جبهه مشخصه اساسی مشق چریکی خود را می نمایند این دید تمام خلقی در تئوری و عمل مشق چریکی را عموماً "و در برخورد با تئوری و مبارزه آید تئوریک را خصوصاً" میتوان چه در میان آثار "ن-ا" و "ا-ه" وجه در برخورد های "س-ج-ف-ح-خ" و تفسیر قیام پیشگام با تئوری و مبارزه آید تئوریک یافت. خرد پیروزی درونی باید که "خلق" مفهومی انتزاعی ندارد. خلق ارتباطات درست شده است و لا جرم حزب تمام خلقی نیز می تواند باشد. خرد پیروزی - تر - نمی باید که یک حزب یا سازمان انقلابی "از مبارزه طبقاتی" یک طبقه مشخص است. و از آنجا که دید طبقاتی - ندارد می تواند مرزها را ببیند و از آنجا که جلسه رابطی عموم "باورد" می تواند از دید درون خلق "در یک سازمان (م-ل) شدن بگوید:

رقعای پیشگام که دارای یک درک خرد پیروزی نیست به خلق و نسبت به سازمان انقلابی هستند سخن از "منافع سازمانی و خلقی مشترک اعضا" سازمان" می گویند ( قیام و اکونومیستها ) تا تاکید از منافع این رقعای سخن از تضادهای درون خلقی در یک سازمان مدعی (م-ل) می گویند: "مرحله به مرحله از نظرات استراتژیک رفیق مسعود به تئوریهای رفیق جزئی و از آنجا که به نقطه نظرات کنونی و مهمتر اینکه در هر مرحله بعلمت وجود سازمانیسم و مرکزیت برخورد با این تضادها، مشابه تضادهای درون خلقی ( تاکید از منافع ) آنگاه کمونیستی

مبارزه آید تئوریک حلا حی است نیرومند که بکارگرفتن صحیح و اصولی آن در خدمت حل معضلات جنبش کمونیستی است. طبیعی است نیروهای مختلف سیاسی از دیدگاهها گوناگون به آن می نگرند. برخی دیدی روشنگرانه و جدالزیراتیک جنبش نیستی به آن دارند، برخی دیگر دیدی پراگماتیستی برخی به آن فکد برای پوشاندن معايبا خویش و دفاع از خود کوبیدن دیگران مینگرد. آنان تضاد عمده را در مبارزه آید تئوریک تشخیص نمی دهند و مبارزه آید تئوریک را نه در خدمت اعضا و طرف نیروهای ضد خلقی و ارتقا نیروهای انقلابی بلکه برای نجات خویش این سبتهای آید تئوریک بکار میگیرند ماضی برج را با چنین شیوه هایی هدف قرار می دهند. "رتقا" نیروهای انقلابی و افتا و طرد رویزونیستها می اندیم و می گوئیم تا مبارزه آید تئوریک را با سبتهای موزنی و فراق کث ( آموختن خود و دیگران ) بدل کنیم. مبارزه آید تئوریک ما در نقد کتب نیا و اکونومیستها نیز از همین دیدگاه صورت می گیرد. بدین ترتیب فصل اول این کتاب را بر سر بردن رقعای پیشگام با مبارزه آید تئوریک در درون سازمان (م-ل) و نیز یک جنبش پرولتاریائی شیوه های گوناگون مبارزه آید تئوریک ( پرولتاری و خرد پیروزی ) تشکیل میدهد.

فصل اول: چگونه برجم مبارزه آید تئوریک را بر افرازیم. بخش اول: از دید تمام خلقی مشق چریکی تا حزب تمام خلقی خروجی. بخش دوم: آیا نظراتی احتیاطی هستند می تواند حاکم شود؟ بخش سوم: نفی انقلابی چیست؟ رد چهارم: رویزونیسم چیست؟ رد پنجم: آیا س-ج-ف-ح-خ واقعا رویزونیسم است یا ساخته و پالان مبارزه کرده است. رد ششم: آیا س-ج-ف-ح-خ و پیشگام با مشق چریکی انقلابی برخورد کرده اند. رد هفتم: شیوه های گوناگون مبارزه آید تئوریک و درکهای مختلف نسبت به آن.



رقعای پیشگام که دارای یک درک خرد پیروزی نسبت به خلق و نسبت به سازمان انقلابی هستند، سخن از منافع سازمانی و خلقی مشترک اعضا سازمان و تضادهای درون خلقی در یک سازمان مدعی (م-ل) می گویند و بدین ترتیب فراکسیونسم و چند مرکزیت را در سازمان (م-ل) به رسمیت شناخته، وحدت اراده ی سازمان (م-ل) را نفی کرده، به تنز رویزونیستی حزب تمام خلقی در می غلطند.

خرد پیروزی در مرحله انقلاب دموکراتیک متحد میشوند اما نه در یک حزب، چرا که حزب یا سازمان سیاسی مانند دولت ابزار مبارزه طبقاتی است، چه احزاب سیاسی جنبه طبقاتی دارند. حزبیت نقطه تمرکز نمودار صفوف طبقاتی است. احزاب و فرقه های طبقاتی و با تفاوت طبقاتی همچو فت موجود نبوده و با اصطلاح سازمانی تمام خلقی ( که بقول رقعای پیشگام دارای وحدت منافع خلقی هستند!! ) یک حزب تمام خلقی که نمایندنده منافع طبقاتی معین نیاشد تنها فرمی بعین نیست. حزب پرولتاریا دسته پیرو و متشکل پرولتاریا و فعالترین شکل سازمانهای پرولتاریا میباشد حزب یا سازمان (م-ل) نمایندنده منافع پرولتاریا و نظیر اراده است. دیگر اقتدار خلق که متحد پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک هستند ( در چنین حزب یا سازمانی جای نشدند ملایمکه بغول انگلس و مارکس:

## فصل اول

### چگونه برجم مبارزه آید تئوریک را بر افرازیم؟

#### بخش اول: از دید تمام خلقی مشق چریکی تا حزب تمام خلقی خروجی!

نیوه ضروره حل شان نیز به نبرد تن به تن؟! بین رقعای نیا نیا آمده است. "آیا می توان مفهوم خلق" را در یک سازمان (م-ل) به رسمیت شناخت؟ می دانیم خلق در مرحله انقلاب دموکراتیک به طبقاتی اطلاق میشود که بر طبقه امپریالیسم صف آرای می کنند و می دانیم که خلق ما عبارت از کارگران بد و افتاد خرد پیروزی است

از آنجا که مشق چریکی انعکاسی مستقیم و مضب فوق العاده آشنین روشنگرانی که نمی توانند با امکان ندارند فعالیت انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کل بهم پیوندند ( لنین - چه باید کرد ص ۱۰۲ ) و در حقیقت متعکس کنند و گراشیستی هستند که سستی سختی عقاید را به های مایوسی و نامعین روشنگران را نمایان مبارز ( لنین - ماجراجویی انقلابی )

مشق چریکی

قسم فراکسیون بازی و تجزیه اقتدار در داخل حزب مافی است. به همین علت است که...

بدین ترتیب تفاد میان پرولتاریا و خرده بورژوازی که در پیرون از سازمان (م-ل) در مرحله انقلاب دموکراتیک...

تأیید این دستجات خرده بورژوازی (که بزم رفقای پیشگام دارای وحدت منافع خلقی با اخصاً سازمان هستند و تضادشان...

لنین می گوید: "با داشتن رفرمیستها و منشویکها در صفوف خود، پیروزی در انقلاب پرولتاریا غیر ممکن و نگاهداری آن محال است..."

تأیید نمایند از هر پست مسئول شاید به فایده نباشد. لنین و استالین از مبارزه بهر مکانه...

تابعیت گورکوزنه و آنچه حاکم است، حقانیت دارد،

ویرانگی مشق چریکی است که نهایتاً به پیروزی منتهی می شود، فرمان از بالا، به جدائی کامل از توده و به رفرمیسم می انجامد

پیشگام جایای رفیق جزئی گذاشته است که می گفت:

"باید مفهوم وسیعتر و واقعی تر زحمتکشان را جانشین مفهوم مجرد؟! طبقه کارگر سازیم و برای تحقق ایدئولوژی طبقه کارگر در جامعه منتظر ظهور جنبش کارگری نمی مانیم"

و بنحویکه نیروهای موجود در جنبش ضربه نخورند انجام میگیرد (تأکید از ما است - قیام واکونومیستها ۲۰۲)

لنین از مبارزه ای بی امان بهر مکانه برای افشا "ایرئوتیسم" یاد می کند. پیشگام...

خلق و بخصوص در صفوف پرولتاریا مبارزه می کند و می کشد تا براندیشه های انحراف در سطح جنبش از طریق مارکسیستی...

با توجه به شخصیت ویژه طبقه کارگر ایران در شرایط حاضر باید مفهوم وسیعتر و واقعی تر زحمتکشان شهر...

با توجه به شخصیت ویژه طبقه کارگر ایران در شرایط حاضر باید مفهوم وسیعتر و واقعی تر زحمتکشان شهر...

با توجه به شخصیت ویژه طبقه کارگر ایران در شرایط حاضر باید مفهوم وسیعتر و واقعی تر زحمتکشان شهر...

با توجه به شخصیت ویژه طبقه کارگر ایران در شرایط حاضر باید مفهوم وسیعتر و واقعی تر زحمتکشان شهر...



بخش دوم: آیا نظر دلای حقانیت همیشه می تواند حاکم شود!

آنها (انترناسیونالیستها) در کردار و وفاداری آنها هستند که فاسد کننده توده ها هستند...

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک!

گزارش گرامرناشت

چندین عطرکد رفقای پیشگام و سازمان چریکهای فدایی خلق نشان میدهند که این رفقا حاضر به اتحاد با "راست" هستند اما بسوی کونیستها کنترگرازی دارند. این شرکت یکجانبه رفقای فدایی در راهپیمایی ۳۰ تیر در پیرو مجلس بدعت آیت الله طالقانی و آیت الله زنجانی در میتنگی که در رهبری آن لبرالهایی چون نهیست آزادی، جنبش و... حرکت داشتند و رفقای فدایی کوچکترین نقشی در تعیین شعارها و وضوین میتنگ نداشتند و شعارهای مذهبی با تائید رهبری خمینی تکرار شدند، ایسا حرکت وانمی برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیست در یک جبهه متحد است؟ و یا حمایت از گاند فدایی آیت الله طالقانی و عدم حمایت از گاند پدهای کونیست (مرتضی الاریوش، افخم احمدی، ابراهیم نظری) چنین عملی است؟ هنگامی که به تائید اقدامات ضد امپریالیستی آیت الله خمینی در تیرماه کنونی بپردازیم (مطالعه راهپیمایی ضد امپریالیستی) ... راستی رفقا امپریالیسم چیست؟ مگر نه اینست که امپریالیسم در صحن مایخنی سرمایه داری (ارتش) یعنی ماشین جنگی امپریالیستی (ارتش) یعنی دستگاه بیورکراسی حاکم و آزان گذشته مگر نه اینست که با تکنیک به ما موختسه است به یک پدیده به مثابه یک کل برخورد کنیم. نگاه به اجزا "مارا به انحراف میکشاند مثلا" با وجود آنکه ارتش در جوامع طبقاتی حتی تا ۸۰ افراد ارتش کار برون هفاند اما ارتش ضد خلقی است، چرا که آنچه تعیین کننده یک حکومت است "افراد" و اجزا شرکت کننده در آن نیستند بلکه "حکومت هدایت و رهبری و کنترل" و اینکه این سیستم در خدمت کدام طبقات و حفظ کدام نهادها و ارگانهاست تعیین کننده است. "حکومت حاکم" ایران در یک کشور سرمایه داری و استعماری کل واحد است. چنین است که آیت الله خمینی تا پیش از زرتشت به درون جنبش سیاسی، اقدامات ضد امپریالیستی داشت. اما با اقدام شورای انقلاب و دولت و رفتن شورای انقلاب به درون "سیستم" دیگر خود جزئی از سیستمی شده است که سرمایه داری وابسته را حفظ می کند و نهاد های بیورکراتیک و نظامی آنها را می دارد.

راستی ضد امپریالیست چیست؟ کسی که به این نهادها و سازمانهای امپریالیستی گزند میزند؟ یا کسی که این نهادها را حفظ می کند و در حرف به امپریالیست می نامد. یا کسی که اقدامات ضد امپریالیستی که البته اساسی و پایه "نفوذ امپریالیسم امپرا راهداف مرارتی" دهد و فقط سطحی

است تا بدوش توده های ضد امپریالیست سوار شود؟ می تواند ضد امپریالیست نام گیرد؟ چنین قطعنامه ای نشان میدهد که رفقای فدایی هم به بالا نظر دارند و از تضادهای درون هیئت حاکمه حرکت میکنند. هیئت حاکمه که یک کل بهم وابسته است از چه تضادهای در آن وجود دارد. نیروهای عامل امپریالیسم و آنان که بطور مستقیم با امپریالیسم در ارتباط نیستند و... اما در هیئت حاکمه میان این جناحها وحدت عمده است نه تضاد. به بخش "خوب" و "بد" ضد امپریالیست و نوکرا امپریالیست" تقسیم میشود! حرکت از جناحهای هیئت حاکمه مارا با سیاست هیئت حاکمه شاه می اندازد که روینویستها توده آف بخش واقع بین و فاسیت برای آن بر می شمرند و با بخش واقع بین هیئت حاکمه می گویند ند تا وحدت کنند. چنین است که رفقای پیشگام به خاطر شرایطات روینویستی شان ترجیح میدهند با نیروهای انقلابی و کونیست وحدت کنند اما عدلیت به تدریج آسمانه میشوند تا با دامن روینویستها بخرزند. انتشارات پیشگام کرج که برای جمهوری متحد ترک (۱) گزرتین شاد با شپارانشان می کنند و در تمامی انتشارات خاکشور بلغن پراکنی، دروغ و افترا علیه سازمان پیگردر راه آزادی طبقه کارگر در کونیستها مشغول بوده است و همپنرو دانشجویان پیشگام بانک ملی کونیست روینویستهای توده ای مشترک" میتنگ بر پا کرده اند شاهد این مدعا است. جالب اینجاست که "سازمان دانشجویان پیشگام" عملا در مقابل این اعمال حکومت می کنند. ارتش که در یک سازمان مدعی (م-ل) - با هستی وحدت اراده وجود داشته باشد و "طبعاً" نمی توان نظری متناقض نظر سازمان ارائه داد، مواضع انصرافی رفقای پیشگام کرج صریحاً میتنگ مشترک توسط دانشجویان پیشگام بانک ملی روینویست های توده ای در مدرسه عالی بانک ملی نشان دهنده گرازیات روینویستی رفقای پیشگام است (برای اطلاع از انعکاس این اقدام و خوشحالی دانشجویان در مکررات می توانید به امین شماره ۱۶ مراجعه کنید)

گزارش و استیلا علیه بیورکراتیک ملی

این دانشجویان نیز برای حرکت در میتنگ مشترک به ما مراجعه کردند اما با وجود آنکه اعتقاد داریم افراد در مکررات نیز در همان جبهه در مکررات و امپریالیست دانشجویان یافت میشود، اما سیستم

هدایت رهبری آن یک حیمت لبرالیستی است و نه دموکراتیک (جناحت طوخیسی از دولت بازرگان در مقابل انصار از لبرالی آیت الله خمینی!! شرکت در تظاهرات برای جمهوری خلق سلمان، حلوا حلوا کردن حزب دموکرات و...)

بدین ترتیب ما حاضریم به رهبری میتنگ مشترک با این دوستان نشدیم

ستاره و خورشید در شبی

همانطور که تا کنون درباره جنبش دانشجویی گفته ایم از نظر ما گروههای دانشجویی انعکاس سازمانهای سیاسی درون جامعه می باشند.

بنا بر این شناخت ما از ماهیت گروه بندی های سیاسی درون دانشگاه به بر اساسی پلا تفرم آنها بر روی کاغذ بلکه به اعتبار و بر بنیاد اینکه کدام گروههای سیاسی درون جامعه را نمایندگی می کنند می توان استوار و اصولی باشد. بعنوان مثال ما "انجمن دانشجویان سلمان" را یا توجه به اینکه شش و سیاست آن در دانشگاه، بازتاب شش "سازمان مجاهدان خلق ایران" (که یک جریان دمکرات و امپریالیست در سطح جامعه است) می باشد، ارزایی می کنیم و از این جهت حاضریم به همکاری با دموکراتیک و ضد امپریالیستی با آن می باشیم.

همینطور است در مورد شکل های مردم دانشجویی درون دانشگاه که همگی به اعتبار وابستگی سیاسی - ایدئولوژیک به یکی از گروههای کونیستی موجود در سطح جامعه م.م.ل بشمار می روند. از آنجا که ما همکاری و اتحاد عمل با گروهی و گروه بندیهای دمکرات و ضد امپریالیست را ضرورت این مرحله از انقلاب می دانیم، تا کنون دیدگاههای خود را در این مورد چه در طرح کمیته انقلابی دانشجویان م.م.ل و چه در مورد ایجاد تشکیلات واحد دمکراتیک دانشجویی و بالاداره در مورد همکاری ها و ائتلافهای متوجهی (از قبیل برگزاری مشترک مراسم بزرگداشت ۱۶ آذر) با تمام نیروهای دمکرات و مطرح کرده ایم و بر طبق موازین آن حرکت کرده و خواهیم کرد. از جمله دعوت ما را برای مراسم روز دانشجویی، بر بنیاد دیدگاه ما از ضرورت اتحاد دموکراتیک دانشجویان انقلاب صورت گرفت.

اما همانطور که گفتیم اولین شرط اصلی برای همکاری، شناخت و تفکیک صحیح نیروهای دمکرات انقلابی، از جریانات

لبرالی، امپریالیست و... است. لذا وقتی که از طرف "ستاره" برای شرکت در میتنگ ۱۶ آذر مراجعه شد ما شرکت آنان را نپذیرفتیم زیرا ستاره ادعا می کند که متعین کننده هیچ جریان و گروه بندی سیاسی درون جامعه نیست (و گویا تشکیلی است "مستقل" و قائم بالذات) و شناخت و موضع ما در قبال این تشکیلی می تواند بر بنیاد ارزایی از نیروهای سیاسی موجود در جامعه که این گروه بندی انعکاس این باشد قرار گیرد. در واقع "ستاره" و رهبری آن وابستگی سیاسی ایدئولوژیک خود را به هیچیک از گروههای سیاسی موجود در جامعه نمی پذیرد. بنا بر این مواضع ما نسبت به این تشکیلی می باشد بر بنیاد ارزایی از سیاست و عمل چنین تشکیلی در در صحنه مبارزات دانشجویی استوار - باشد و البته چنین ارزایی نمی تواند بگروه انجام پذیرد، بلکه مستلزم جمع بندی ما از سیاست و عمل این جریان در طی یک دوره از عملکرد آن خواهد بود. بعنوان مثال می توان از جریان "صدای دانشجویی" که از آغاز فعالیت خود رایک تشکیلی دمکرات و ضد امپریالیست معرفی می نماید نام برد. ما از همان روز اول سیز شدن این جریان در دانشگاه نمی توانستیم ادعایش را قبول کنیم. البته در این ۹ ماه بخشی ماهیت امپریالیستی و نرالاً تا همساز آن آشکار شد. چه بخشی روشن شد عظیم ادعای آن جتی بر یک جریان مستقل و ضد امپریالیست بودن، صدای دانشجویی سیاست و عطرکد امپریالیستی، دقیقاً تحت رهبری سیاسی - ایدئولوژیک "حزب" کونیست کارگران و دهقانان قرار دارد و خط شش این حزب کدایی را در دانشگاه پیاده می کند و از آنجا که "لوفان" از نظر ما یک جریان امپریالیستی است بنا بر این ما حاضریم همکاری با "صدای دانشجویی" نمی شویم.

بنظر ما بر خورد با "ستاره" نیز هم اکنون باید مشابه برخورد ما با صدای دانشجویی از آغاز اعلام موجودیت آن باشد. تنها اینکه پس از گذشت مدتی و آشکار شدن مواضع و تاکتیکهای سیاسی آن، بدستی بخد شش و سیاست تشکیلی "ستاره" شناخته شود و روشن گردد که آیا واقعاً این جریان مستقل است یا اینکه تحت رهبری سیاسی - ایدئولوژیک یک تشکیلی معین در سطح جامعه قرار خواهد داشت که در صورت اخیر مواضع ما در قبال آن منطبق بر ارزایی ما از آن تشکیلی سیاسی در جامعه مشخصی شود.

گویانکه تا کنون نیز تا حدی این واقعیت که "ستاره" عملاً تحت رهبری گروه اتحادیه کونیستهای ایران قرار دارد روشن شد است. زیرا علاوه بر اینکه تاکتیکهای اتحاد شده از طرف "ستاره" همگون و هم جهت با تاکتیکهای اتحادیه کونیستها بوده است، "جمعیت" ارگان گروه مذکور در شماره ۹۹ ضمن موضعگیری صریح در حمایت از "ستاره" می نویسد: "... تشکیلاتی که برای دانشجویان هادار پیگار که برای برگزاری مشترک گرد هفتای ۱۶ آذر از "صدای نیروهای ضد امپریالیست و مبارز" دعوت بعمل آورده بودند، از برگزاری مشترک این مراسم با دانشجویان تشکیلی در "ستاره" خود داری کردند به این بهانه که گوی این سازمان دانشجویی وابسته به "اتحادیه" است، حاضر نشدند تا این مراسم مشترک برگزار گردد. چرا که "زیرا" حقیقتاً به پیگار "برخورد کرده است".

اینجاست که دم خروسی بهرون می زند و امپریالیستهای در می آید. اگر "ستاره" تحت رهبری اتحادیه کونیستها بقیه در صفحه ۲۰





# ما و شوراهای دانشجویی (۲)

## ب. شوراهای دانشجویان رونیونیست باصطلاح دمکرات:

رونیونیستهای توده ای که هدفشان رخنه در دستگاههای دولتی و کشاندن آن به سوی سوسیال امپریالیسم و مشاغل گسری بورژوازی حاکم برای جلوگیری از انقلاب است برای تحقق اهداف خود خلقی خویش در این امکاناتی هستند تا سیاست خویش را بسوی آن به پیش برند. نفسی اراکین امکانات ازمیثت حاکم به قیمت خیانت به خلق و همدستی با ارتجاع و امپریالیسم گدایی میشود و بخشی دیگر از این امکانات امکاناتی است که بورژوازی برای پیشگیری مقاصد ضد خلقی اش بوجود می آورد.

معتمدیم در شرایط حساس کنونی بجز در مناطق سر شوراهای مومعیت بوجود آمدن بر نندارند ولی هرگاه بوجود آمدند، ارگان حاکمیت بلا واسطه سیاسی کارگران در فائسان و سرپازان و سایر اقشار خلقند که نه در خدمت و در رابطه با نظام موجود بلکه مستقیماً در مقابل آن قرار میگیرند و صدمی افزایشند که:

۱- بدون تردید شوراهای در رابطه با نظام اجتماعی - اقتصادی میهن ما قابل طرح است.

این رابطه را چطور توضیح نمیدهد؟ چرا نمی خواهید آرزویشان نمایند تا بنیمیم این رابطه چگونه است؟ نظام اجتماعی - اقتصادی ایران چیست؟ نظام شورائی چگونه نظامی است؟ حتی اگر نظام اقتصادی - اجتماعی ایران را از نوع جمهوری پارلمانی بورژوازی - دموکراتیک هم فرض کنید با رزم ضد بورژوازی یا نظام شورائی که به قول انگلس در آن دیگر ولتبه معنی اخس کلمه وجود ندارد فرق دارد. و همانگونه که لنین میگوید:

این قدرت حاکم ( منظور شورائیست) بکنی غیر از آن نوعیت که بطور کلی در جمهوری پارلمانی بورژوازی دموکراتیکی که تاکنون تپ عادی بشمار میرفت و در کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکا کفر ماست دیده نمیشود. چه بسا این نکته فراموش می کنند و چه بسا در آن صمق نمی ورزند و حال آنکه تمام که مطلب در اینجا است، این قدرت از همان نوع کون پاریس ( ۱۸۷۱ ) است، آری رو نیونیستهای عاشقین بدخاطر تمسین سیاست خود از واقعه ای تا واقعه دیگر میجویند که بر این دستاورد بزرگ پرولتاریای جهانی که شوراهای بر توده های مسلح و انقلابی ایجاد کردند به سر پارلمانهای بورژوازی خط بطلان بکشند.

آنها میجویند که این اصل لنینی را که شوراهای در زمانهای خاص ایجاد میگردند و گسترش می یابند فراموش کنند. سخن از گسترش شوراهای در چنین شرایطی را به عمل همگاری با دولت ضد خلقی و فریب توده ها است. رژیم ضد خلقی شوراهای انقلابی خلق را در گردستان به خاک و خرد میکند و رهبران آنها را مانند رقیب شهید فواد صلفی حلفائی را به قتل میرساند و نگاه مسئله شوراهای رابط میسازد. رو نیونیستهای خائنانه در رابطه با چنین نظامی شوراهای را قابل طرح میدانند مگر نه اینکه شوراهای فقط در مناطق سر صا انکا - نیروهای مسلح توده ها مطرح است و هم اکنون نبرد بی امان میان همسین شوراهای و دولت ضد خلقی در گریست و نبرد رابطه با نظام اجتماعی - اقتصادی موجود؟ مگر نه این است که نظام موجود در کشور ما از

لحاظ اجتماعی - سیاسی دیکتاتوری بورژوازی همراه با پشتیبانی تمام عیار خرده بورژوازی و بخصوص رهبری آیت اللهین و از لحاظ اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است.

مردم نیست بلکه در خدمت ارتجاع و در خدمت فریب توده ها و تپس کردن مفاهیم انقلابی و در خدمت به لوث کشاندن "شورا" است. بزرگترین دستاورد انقلاب خلقها پرولتاریا جهان است.

### ج. شوراهای دانشگاهی و پرولتاریای غیر رونیونیستی دانشجویان پیشگام یا آن:

۱- در کنار ارتجاعیون و رو نیونیستهای خائس، نیروهای انقلابی چون سازمان مجاهدین خلق و نیز رفقای پیشگام، منتها یا اهدافی کاملاً جداگانه از شوراهای سخن میگویند ( بدون تردید میان نیروهای انقلابی که شعار میورند و ارتجاع را تکرار میکنند با خود نیروهای ارتجاعی خط فاصل روشنی وجود دارد ). اعلامیه رفقای پیشگام در مورد وظایف شوراهای دانشگاهی بسیار از دانشجویان دانشگاهی پیشگام به شوراهای دانشگاهی حاوی نکاتی است که ماضی بررسی آنها انحرافات اترانشان خواهد بود.

۲- رفقای پیشگام انتظار دارند که شوراهای تنها در کنار دولت بورژوازی بسیرد بلکه دولت بورژوازی محصمات اتر بر صحت بشناسد " در دانشگاهها نیز تضعیف و از محتوی خالی کردن شورا، از طریق سلب قدرت اجرایی آن و محدود نمودن اختیارات شوراهای توسل به مقررات پیوسته اداری گذشته و با اخلال و کارشکنی چه رسمیت شناختن تصمیمات متخذه شورا ( تأکید از ماست )، مساندت اخراج عناصر وابسته رژیم سابق که ابتدائی ترین خواست جامعه دانشگاهیان است و... صورت میگیرد ( نظرسرا زمان دانشجویان پیشگام... ) رفقا انتظار داشتن از دولت بورژوازی صنی بر رسمیت شناختن تصمیمات شورا و تأیید آن از کارشکنی ها و اخلال لگربهای دولت بورژوازی " ترفقا" چیزی جز تریک مواضع دموکراتیکم انقلابی و در نظر طغیان لبرالیسم نیست. چگونه میشود انتقاد داشت که دولت بورژوازی در مقابل دشمن لطیفاتی اش شورا که وظیفه تاریخی بگوسیردن آن دارد سر تعظیم فرود آورد و بغول شامصمات " بورا بر صمت بشناسد و از همه اسفنا کتر اینکه این شورا هرگز بعنوان آلترناتیوی در مقابل دولت دیده نشده و فقط ناله زاری ارباب بر صصمت شناختن تصمیمات شوراهای است.

۳- رفقا تمام خواستههایی را که اترشوا خواسته اند ترفقا" خواستههایی حرفه ای یا صنی است که در خدمت خواستههای ازیست کیمند نمایندگان انقلابی دانشجویی است، نه شورا ( مارکسیسم - لنینیسم به اندازه کافی به ما آموخته است که شورا چیست ) این چنین برخوردی با شورادر حقیقت تپس کردن مفهوم انقلابی شورا

۴- رفقا تمام خواستههایی را که اترشوا خواسته اند ترفقا" خواستههایی حرفه ای یا صنی است که در خدمت خواستههای ازیست کیمند نمایندگان انقلابی دانشجویی است، نه شورا ( مارکسیسم - لنینیسم به اندازه کافی به ما آموخته است که شورا چیست ) این چنین برخوردی با شورادر حقیقت تپس کردن مفهوم انقلابی شورا

### رو نیونیستها این مشاطه گران پرولتاریای جهان را در رابطه

«شورا»، این دستاورد عظیم پرولتاریای جهان را در رابطه با نظام اقتصادی اجتماعی کنونی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل طرح می دانند!

۵- رفقای پیشگام می نویسند:

این جلا ت ضمن اینکه نژائی رفقا را نسبت به طرح و تکرار هزار بارشکل صوری و ظاهری "شوراهای شان میهد اما به این نکته توجه نمی کنند که شوراهای محصول دوره خاصی از رشد و تکامل مبارزات توده ها است و قبل یا بعد از آن در شرایطی غیر از آن دوره خاص نمی توان آنها را بدخواه و با نیات حسنه ایجاد کرد و هرگونه اصرار و چانه زدن در حکم افزودن به توهم جرح پنجم ارباب دولت بورژوازی خواهند بود.

در این مورد هم تاکنون، نارسا نیهای فراوان داشته است. و نه ارگان حاکمیت سیاسی توده ها. بدین ترتیب محروالی این اعلامیه کاملاً نادرست بوده و اعلامیه رفقای پیشگام در خدمت یک خط انحرافی ولجبرائی بوده که فقط میتواند پرده ساتری بروی شورا واقعی بکشد و ایجاد توهم کند نه اینکه راه نشان دهد و افشاکری کند.

۲- رفقای پیشگام می پندارند که شورادر در هر لحظه میتوان تشکیل داد و از این سو نه تنها در شرایط کنونی شعاشوراهای رابط می کنند بلکه می نویسند " رشد گسترش شوراهای دموکراتیک و مردمی همواره ( تأکید از ماست ) در جهت تقویت اعمال حاکمیت مردم و قطع نفوذ امپریالیسم و وابستگی آن خواهد بود. ( اعلامیه نظرسرا زمان دانشجویان پیشگام در سواره شوراهای دانشگاهی ). خیر رفقا، رشد گسترش شوراهای در جهت تقویت حاکمیت مردم نیست اگر در نهایت که شورادرگان قبام توده ها و ارگان قدرت انقلابی است و نه انجمن نمایندگان صنی، اگر در نهایت فقط در شرایطی خاص ( که لنین کسیر صهی آن شرایط را نشان داده است ) بوجود می آید، نگاه ریزد باصطلاح این شوراهای نه تنها در جهت تقویت اعمال حاکمیت

۶- رفقای پیشگام می نویسند:

در این مورد هم تاکنون، نارسا نیهای فراوان داشته است. و نه ارگان حاکمیت سیاسی توده ها. بدین ترتیب محروالی این اعلامیه کاملاً نادرست بوده و اعلامیه رفقای پیشگام در خدمت یک خط انحرافی ولجبرائی بوده که فقط میتواند پرده ساتری بروی شورا واقعی بکشد و ایجاد توهم کند نه اینکه راه نشان دهد و افشاکری کند.

۲- رفقای پیشگام می پندارند که شورادر در هر لحظه میتوان تشکیل داد و از این سو نه تنها در شرایط کنونی شعاشوراهای رابط می کنند بلکه می نویسند " رشد گسترش شوراهای دموکراتیک و مردمی همواره ( تأکید از ماست ) در جهت تقویت اعمال حاکمیت مردم و قطع نفوذ امپریالیسم و وابستگی آن خواهد بود. ( اعلامیه نظرسرا زمان دانشجویان پیشگام در سواره شوراهای دانشگاهی ). خیر رفقا، رشد گسترش شوراهای در جهت تقویت حاکمیت مردم نیست اگر در نهایت که شورادرگان قبام توده ها و ارگان قدرت انقلابی است و نه انجمن نمایندگان صنی، اگر در نهایت فقط در شرایطی خاص ( که لنین کسیر صهی آن شرایط را نشان داده است ) بوجود می آید، نگاه ریزد باصطلاح این شوراهای نه تنها در جهت تقویت اعمال حاکمیت

ما و شوراهای ...

"شورا" موظف است فعالیت سازمانهای دانشجویی را که دارای پایگاه دانشجویی و سابقه مبارزاتی باشند برسمیت بشناسد.

مثل اینکه رفتار انبوهی کرده اند که اصولاً - شورا چیست؟ یا آنها تصور می کنند که شوراها نه تنها از دل مبارزات نوده ها و در اینجا دانشجویان برنی خیزد بلکه باید - سازمانهای دانشجویی را برسمیت بشناسند و باید یک وظیفه هم نیست که دانشجویان راهبرسمیت بشناسد؟! ( چرا؟ مگر سازمانهای دانشجویی جدا از دانشجویان هستند؟! توده های که باستانی با قدرت مسلح خویش شورا را برقرار کرده اند و سازمانهای انقلابی که باستانی آنها را با داده باشند ضامن حفظ و گسترش آن باشند از شورا می خواهند که آنها را برسمیت بشناسد و حافظ رشد و گسترش آنها باشد!!

این جلات نشان نمی دهد که شورا در نظر رفقای پیشگام بیرون از سازمانهای انقلابی دانشجویی است، چنین شورایی آسانی تواند "شورا" باشد. سازمانهای انقلابی در زمانی که باستانی شوراها پیدا آیند سازمانهای مبارزات نوده ها با محوریت انقلابی آنها را تشکیل دهند و این شوراها و همجین این سازمانهای انقلابی ( چه دانشجویی و چه غیردانشجویی ) - شروعت انقلابی خواهند داشت و با نفوذ انقلابی خویش قانون انقلابی خود را تدوین می کنند و نه انجمنی فلسفانه به فواینس بیرونی جنگ برزند.

رفا، نمی توان انقلابی داشت - اگر با نیست بود و ضد ارتجاع را ارتجاعگرار تعسار شورا در نیافت، نمی توان امارا کمیسر دم زد و مفهوم انقلابی و فلسفاتی شورا بسط خاص استقرار در نیافت، مواضع شما در مورد شوراهای دانشگاهی، لیبرالی و غیر مارکسیستی و ترکان کننده است، وظیفه شماست که با برخوردی انقلابی به این مسئله یاد دیگر نیروهای انقلابی در مورد افتاء به اصلاح شوراهای که شیوشر را می دهند هفت انشاید، نگذاریم، شوراها این ارگهای انقلابی نوده ها به عروسکی برای فریب خلبانان بدل نشود، از شوراهای واقعی "لنیسی" دفاع کنیم و ماهیت آنها را برای مردم توضیح دهیم و اهداف ارتجاع را پیش کشیدن شعار شورا افتاء کنیم

د. انجمن (یا کمیته) نمایندگان دانشجویی و نه شوراهای دانشجویی:

گفتیم شورا چیست و ارتجاع چه اهدافی را در این میان دنبال می کند، اکنون باز هم می گوئیم ما خود را موظف میدانیم که در کنار دیگر نیروهای انقلابی در فعال نوده ها از فعالیتهای انقلابی و کمونیستی چون شورا که به قیمت مبارزات خونین برپا شده است

رفقای پیشگام کمیته های نمایندگان را جای شوراهای لنینی می گیرند و می پذیرند در هر موقع می توان شوراهای لنینی داد،

انتظار دارند که دولت بورژوازی تصمیمات آنها برسمیت بشناسد،

شورا را جواز سازمانهای انقلابی می پذیرند و خلاصه "شورای لنینی" را

به زائده بورژوازی تبدیل کرده، بر توهم توده ها می افزایند.

و خلفای جهان حاصل شده است دفاع کنیم و هرگز اجازه نخواهیم داد "شورا" این دستاوردهای خونین بر زمین به طای برای فریب نوده ها بدل شود. از این سو "شورا" اعلام می کند که در این انجمن های نمایندگان دانشجویی معالنه شرکت کرده و در صورت موکراتیک بودن آنها به آن احترام می گذاریم اما هرگونه کوشش را برای برچیزدن این انجمنهای نمایندگان دانشجویی بجای شوراها را افتاء خواهیم کرد. حتی اگر بگویند تا این انجمنهای دانشجویی را بعنوان "شورا" جایز نشد ماضی شرکت در آن، دست به افتاءگری در مورد شورای واقعی نمی زیم. مظهر ماد مورد انجمن نمایندگان دانشجویی چنین است:

۱- آنچه که بنام شورایان یاد می کنند انجمن (یا کمیته) نمایندگان دانشجویی است. نه شورا.

چرا که شورایان بنام نوده ها و ارگان قدر انقلابی است و در مقابل ارتجاع که میگوید ماهیت انقلابی "شورا" را میزند کند، ما صن شرکت در این به اصطلاح شوراها اهداف ارتجاع و ماهیت واقعی شورا را توضیح خواهیم داد.

۲- انتخابات این انجمن نمایندگان با نیستی کامل در موکراتیک بوده و افراد و گروههای مختلف شرکت کننده در انتخابات

که مثلا ۱۰٪ از افراد این گروه اختصاصی باید، مثلا ۱۰٪ تمام افراد انجمن از آن گروه بوده و ۹۰٪ باقی نخواهد توانست نمایندگانی در انجمن داشته باشند.

۳- انجمن نمایندگان دانشجویی در کنار انجمن نمایندگان استادان و کارکنان دانشگاه مرجع عالی تصمیم گیری در دانشگاه و دانشگاه ها می باشد. این انجمن با نیستی در انتخاب مدیریت دانشگاه، قوانین حاکم بر دانشگاه، مسائل آموزشی، فرهنگی و اداری و دیگر مسائل بگانه مرجع صلاح حیدار باشد.

۴- این انجمن با نیستی تانفاسی مظاهر امپریالیستی و ارتجاعی را از همه ششون دانشگاهی بزداید و با تمام نیرو برای حفظ آزادی بهای موکراتیک بگوشد.

۵- قوانین وضع شده توسط این انجمن نمایندگان با نیستی در جهت اهداف موکراتیک و انقلابی دانشجویی بوده و در چنین مسیری گام زند. محترم شمرن آزاد عقیده، احتیاطات، عدم اخراج استاد، دانشجوی کارمند، مجرم عقاید سیاسی، ممنوعیت ورود قسوی نظامی و دستجات فاشیستی به دانشگاه و دانشگاه ها، اخراج مزدوران رژیم پهلوی و عناصر ساواک از دانشگاه، فراهم آوردن تسهیلات و امکانات برای

فعالیت های صنعتی و سیاسی دانشجویان استادان، کارگران و کشاورزان، فراهم آوردن امکانات رفاهی برای دانشجویان ( خوابگاه، سلف سرویس و ... ) و ...

۶- این انجمن با نیستی بگوشد از یکسو و امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی برنامه راضی الامکان در اختیار نوده ها قرار دهد. و از سوی دیگر بگوشد، تا امکانات نزدیک و دلساس با نوده ها را از طریق کارآموزی، پروژه های تحقیقاتی و امکانات کار در کارخانه مزارع، مدارس و ... فراهم سازد.

فاسی دانیم که ارتجاع از تعسف بسیاری از این خواستهها جلوگیری کرده و تحقق بسیاری دیگر را با زرات دانشجویی قابل دستیابی است. اما با تفرق ما در مورد انجمنهای نمایندگان در دانشگاه چنین بود. و در راه تحقق آن بعنوان یک کوشش حرفه ای و صنعتی در کنار مبارزات سیاسی خویش همراه خلق خود برای تحقق برنامه حداقلی (م- ل) - "جمهوری دموکراتیک خلق" مبارزه خواهیم کرد.

"با تمام نیرو و ماهیت واقعی شوراهای لنینی را برای نوده ها توضیح دهیم"

"اهدای ارتجاع را از عنوان کردن شعار شوراها افتاء کنیم"

"انجمن نمایندگان دانشجویی را با نیستی داشته باشیم یکی از سرگرای مبارزاتی خود بدل سازیم"

"در جهت پیوند با خلق و مستگیری هر چه بیشتر بسوی طبقه کارگر و افتاءگری و مبارزه با ارتجاع و امپریالیزم پیش"

۵۸/۷۲

دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



صبر خود ریزینوشتهای نوده ای به آن - خواهیم پرداخت. اما در اینجا همین اشاره کامیته ناخطر جسدی ریزینوشته، از درجهت "هنر را با هم"



مغرب خود، ابررشد هنرنوده ای بجای بگدارد، و خطر جدی مملکت کمونیستی ریزینوشتهها است. آنان که در پیشبرد ار خود، یعنی خیانت به خلق و خد صحت به خد خلق بپیکری نشان می دهند، اکنون که انقلاب خونین خلق شریک را برای سرآوردن نشان از آنها نگاهها می آریا نشان فراهم آورده است، اکنون که هیئت حاکمه ضد خلقی قدرت را تصب نموده و بر تخت نشسته است و آنان خاشاکه آستاجوسی قدرت خاکشمنولند، در دهه زمینه ها و از جمله در زمینه هنر به انجام وظیفه شمنولند. نمود افتاء را این خطرآورد - تاخت و تاز حزب نوده خاس می توان دید بویژه در ارتباط با دانشگاه نقاشی که چشمتان از نشان انقلابی در دانشگاه هنرهای زیبا را افز کرده بوده اند و در آن دانشگاه است گیری شورانگیزی به سوی پرولتاریا وایده های هنرپرولتری چشم می خورد، ما می توانیم بروشنی نقش ریزینوشتهها را در با هم، آنان در ارگان خود روزنامه "مردم" به حماسی و فحشانه نسبت به این نمایندگان دست زده و با پشت پا زدن به همه موازین نقد ماتریالیستی، برای چاکری هیئت حاکمه به گفتن اراجیف در - خصوص آثار این نقاشان پرداختند. ما در جای دیگر بطور اخص به این نمایندگان

تند بودند، نمونه بارزی از ایده الهیتهای کامل بشمار می آید. آنان در انتشار ماهیتم ایده الهیستی هنر، از نظرات "الوت گرفته تا" از پانند "از ریبو" گرفته تا "سارتر" سپه بسیاری داشته اند. با تا تا بگوشد بر "تعهد"، آنان تندید "از درک طبقاتی هنر، سازنده و واهمه خود را از اینکه هنر بخواهد یکی از اشکال ایدئولوژی - ترویج و تبلیغ ببرد از میان داشته و حتی ابراز نگرانی نموده اند.

خطری که امروز ادبیات نوبن نوده ای را تهدید می کند از همین نقطه است. خرد بورژوازی با تحمیل توجهات فرا - طبقاتی خود، اگر چه می بزد بردد که هنر می تواند از دردها و رنجها سخن بگوید لیکن با در نظر لیدن به دامن تصویرت بورژوازی از هنر تندید "با هنر ما روزه جهانه، با هنر صریح و سیاسی به مخالفت برمی خیزد بخصوص آنچه هیچوجه تن به مفاهتیم ووظایف مارکسیستی - لنینیستی هنر نمی دهد، و هر آنکس که بخواهد با آنها به مبارزه آزاد بخت و با درک ضرورت رهبری پرولتاریا به گسترش احساسات آگاهانه خویش بگردد ببا درضرات نه انتقاد که از عاهاهی خصانه خود، گوید. تا اکتا در چنین مطلق استاده ایم. اما آنچه که در این مطلق بطور برجسته می تواند اثر

... هنر پرولتری

تحلل روان داشت. خامل این ولعبعیت حاکمیت تودمات و گراشت ایده الهیستی در رمدخل های ادبی و هنری ما بسوده است. بزداشت ماتریالیستی از هنر در - بهترین صورت خود بگونه ای نادر و سنگ باخته و تا بپیکردن آثار باقدن و نویسنده گانی وجود داشت که از هنر "تعهد" دفاع می کردند. یکی از بهترین نمونه های این نوع نقد، بررسی ماهی سیاه کوچولو در "آرش" توسط هژرا خانی است - لیکن کلا طرد اران هنر متعهد را نمایندگان اران ماتریالیستی در لکسیکی از هنر دانستن اشتباه است. طرد اران هنر متعهد چه بسا که ایده الهیستی تمام عیار میوه اند، آنان که عموما دارای نشان خرد بورژوازی اند و همه سبب مودیت در گانه خود، در همین حال که از هنر انقلابی و متعهد - با دیده گامی همه خلقی و غیرطبقاتی - در همان حال از خوان گسترده آثار بورژوازی بهره ها می گرفته بسیاری از کسانی که در "س" - جریانات ادبی دهه چهل قرار گرفته بودند و بری به عنوان مسدافع هنر "تعهد" در مقابل ادبی کشور شاشاخسته

ماوا ۱۶ آذر

پیام مشترک

★ دانشجویان بودا راه کارگر ★ دانشجویان مبارز فدائیان خلق ★ دانشجویان مبارز فدائیان خلق

بسنبت ۱۶ آذر

مخالفت است ( یعنی است قهرانقلابی از نظر کمونیستها، قهرانقلابی توده های مسلح است ) اما بصورت ایستا هر عملیاتی که قوانین شاهنشاهی را نقض کند مخالفت می کند. شیشه شکستن دانشجویان که نمایانگر تعرض آنان و انعکاس منفی چریکی در درون دانشگاه است راهی است سواک نسبت میدهد. شمارگرگ سیر شاه و مرگ بر امیرالایم را هزاران حقه و نیرنگ می کشد تابه شعارهای صنفی تقلیل دهد و نظایرات را از کوجه و خیابانها جنوب شهر به جلوی مجلس شریایی بکشد ( نوبت شماره ۱۷ ) اوسمخوادر زهرینش را علیه امیرالایم بگیرد.

وتازه همه اینها را وسیله را در صحنه گذاش خیزش انجام میدهد و پس بر ازاعتلا انقلابی و مبارزات توده ها که منجر به شل شدن دیکتاتوری شاه شد رونید هایش چنین می کند. در این سالهای ( ۵۷-۵۸ ) دانشجویان توده ای نه در یک نظایرات شرکت دارند. نه در یک اعتصاب، نه در یک تکرار بر لزله زندگان و نه در تحریم انتخابات و نه حتی در فعالیتهای صنفی مانند کوهنوردی. آنان که خود را از ترس رژیم در پستهای خانه شان پنهان کرده اند بقول رفقای دانشجوی در همان زمان مشغول مطالعه هستند. در کوچکترین مبارزات دانشجویی شرکت ندارند. آنان بقول لنین :

همانند گدشته و اینبار به راه عده ای اکثریت، مطبوعات لیبرال ناله و فغان را سر داده اند، برفقهروها هم بسه سوگواری مشغول شده اند. از زور گریه آبی بینی خود را بالا می کشند، حکومت التماس می کنند که راه ارتجاع را در پیش نگیرد و از یک فتنه عالی استفاده کرده است در کشور که از تشنج فتنه شده است با اصلاحات نظم و علاج را بر فرما سازد آنها به دانشجویان التماس می کنند گمه اعمال غیر قانونی که فقه می تواند بپایان آید بدست ارتجاع بدست متوسل نشوند و فتره و فتره و عبره چه افکار قدیمی و مشغول واقعاً که این نواها دیگر گشته شده اند.

( لنین - جنبش دانشجویی در اوضاع سیاسی کنونی - تا کده از مکتب ) آنان هر عملیاتی انقلابی دانشجویی را " چپ روی " میخوانند و آنرا با دانسزا میگردند " صفت، پیف کلان به سوراخهای تری خوش میگردند. تازه در سبب حوجه فیم است که تاریخ زده روینویستهای میا بر اثر تابش گرمای انقلاب آب میشود و حضرا دانشجویی توده ای سرشان را از سوراخها در می آورند جا جلال و جبروت یک امیر فزاده امحق تبه درون جنبش دانشجویی شرفیاب میشوند تا در آن خرابکاری کنند چه سازش با هیئت حاکمه و اهداف خویش بکشانند. ( ادامه دارد )

امروز ۲۶ سال از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ می گذرد ۲۶ سال که شاهد جنایات و غارت - امیرالایم آمریکا و وابستگان داخلش بودیم در تاریخ مبارزات هرملشی و واقعی وجود دارند که اهمیتش نه تنها در موقعیت خاص تاریخی و اجتماعی لحظه و موقع آن بلکه در تاثیرش بر روی تکامل آتی مبارزات آن ملت میباشد. آذر سال ۳۲ نزدیک از این وقایع است. حدود ۴ ماه پس از کودتای ننگین و خونین امیرالایم آمریکا علیه خلق دلاوریان روی کار آمدن مجدد شاه خاشنه نیکسون، معاون ریاست جمهوری به نمایندگی از جانب سرمایه داران و محاصران آمریکا می، برای باز یزد نتایج کودتای مترجمانه سیا و ارزیابی موقعیت شاه، نوکر سرسپرده امیرالایم، به ایران آمد چند روز قبل از آمدن نیکسون، شاه جلاد کدرصد ادبیات نوگویی بود سعی کرد با ایجاد جو رعب و ترور و وحشت، تخریطی بوجود آورد تا " ارتاش " به زور سر نیز برقرار شده رایج ارباب خویش بکشد. بدین منظور، نشده سدهت زیر کنترل بود و چند روز قبل از ورود نیکسون عده بسیاری از فعالین جنبش باز داشت شدند تا به خیال خودشان بدین طریق جلوی مبارزه قهرمانانه دانشجویان انقلابی گرفته شود.

اما اینبار نیز مانند همیشه سرتا رقیب ما را ره جواب دندان شکنی به امیرالایمست و مترجمین داد. با نظایرات دانشجویان انقلابی در روز ۱۶ آذر تمام حقایق با غلبه از آب درآمد و رویهای شپسری شاه خاشنه کابوس بدل گشت. جلاد - خلقهای ایران که هراسان شده بودند، جوانان دستور حمله به چترها و زینجرها دست پرورده امیرالایم آمریکا را در نمود. و نظایرات به حق دانشجویان انقلابی به خون کشیده شد بخونی که تداومش راهواره شاهد بودیم و میروید تا بخون زحمتکاران مهربان در آمیزد و به سیل خروشان بدل شود تا رنگنگ امیرالایم را از صحنه تاریخ بشوید و پاک گرداند.

به دانشجویان قهرمان شریعت رضوی زد قند چی و بزرگ نهاد را زده به شهادت رسید و عده زیادی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و زخمی شدند، آریز آرمایشگاهها نیز مورد هجوم قرار گرفتند و وحشیگری و درنده خویش رژیم به گلبرگ کامل به نمایانگذاشته شد از اینطرف ۱۶ آذر سال ۳۲ خیل مبارزات دانشجویان انقلابی و الهام بخش این مبارزات در سالهای پس از کودتای گت و جایگاه مهمی در جنبش دمکراتیک و ضد امیرالایمست خلقهایمان یافت.

اهمیت تاریخ ۱۶ آذر در شرایط استیلا حکومت کودتا و نقش جنبش دانشجویان انقلابی در پاسخ به حاکمین جلا دود تانیت، اهمیت آن مخصوص در فهمیدن موقعیت اجتماعی خاص موجود در جامعه به هنگام کودتای تفسیر معال امیرالایم و ارتجاع داخلی و از همه بالا تر نقش نیروهای سیاسی موجود میباشد. مبارزات حق طلبانی نردم سنتد به ایران که در عرض ۱۲ سال اوج نوینی یافته بود به شکست منجر گردید، اما این شکست

تنها نتیجه توپله ها و دسایس دربار و امیرالایم آمریکا نبود، این شکست در واقع شکست خلقی های سازشکارانه لیبرالی و در نهایت ضد خلقی سران حزب توده و جبهه ملی بود. این شکستی بود که میبایست تا و انش را خلقهای زحمتکش ایران میدانند. پس از شهریور ۲۰، با از هم جدا شدن دمکراتوری رضا خا، برقراری نسبی آزاد - بهای دمکراتیک، گسترش فقر و نا رضایی توده مبارز خلق و فای ناشی از جنگ در کشور محیط مساعدی برای فعالیت سیاسی، توسعه مبارزات ضد امیرالایمست و طبقاتی پدید آمده بود. زندانیان سیاسی آزاد شده که بطور عمده از گروه ۵ نفری کمنیستهای سابق بودند از فرصت استفاده نمود مبارز دیگری صحنه سیاسی کشور گام نهادند. و چون در نظر داشتند جنبش با خصوصیت ملی و دمکراتیک و در آغاز بیشتر ضد فاشیستی تشکیل دهند که قشرهای وسیع اهالی را در برگیرد و در عین حال فعالیت آن موجب رسیدن هیئت حاکمه و انگلیس نشود. از اینرو از شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری ( پدر امین اسکندری ) و سیاستمداران آزادیخواه دوران مشروطه دعوت کردند که ریاست موسسان حزب را بپذیرد.

چند تن از حزب توده با این خصوصیات - تا همس گرس گردید. حزب توده تشکیل دادند که اینش مبارزات توده ها برآمده و رهبران مبارزانشان امیرالایم و ارتجاع اندیده شده با آمدن و از سوی دیگر مردم تنه مبارزه گمارفتن دمکراتوری زسته مساعدی برای فعالیت یافته بودند. به لحاظ فقدان تشکیلات شناخته شده ای که بتواند این حرکت را سرری نماید، بسوی - حزب توده که از زمان تنها تشکیلات ایجاد شده با اهداف ترقی خواهانه در مقابل دربار بود روی آوردند و خصوص در صدد بسیاری از کارگران در شورای متحد مرکزی سر اسیران متشکل شدند.

اما از همان آغاز حزب با در پیش گرفتن خط مشی فرمستی و راست روانه اش عملا راه مخالف حرکت توده ها را در پیش گرفت و این امر باعث ترکیب با شده و اولیه قابل پیش بینی بود.

در سالهای ۲۴ - ۲۳ حزب توده دست به ایجاد سازمان جوانان زد اما این سازمان به خاطر نقش گدا دانشجویان و جوانان در آن داشتند این سازمان و اما در بسیاری برای مبارزه فرخورد اربود چه همین خاطر در طی این سالها و سالهای بعد، انقلاب بین مبارزی چون کوچک شوشتری ها و ارطغان ها پیش جنبش ها از روش سر - خاسته با اینکه سعی رهبران جنبش همیشه در انحراف کشاندن انرژی انقلاب بسوی این سازمان و سوار شدن بر آن بر اولش کرد. کتبهای فرا کمنیستی علیه بگ بگ بود اما بر تانسیل انقلابی این جوانان سعی بود که بارها بارها از خط مشی اصلی حزب فزاتر معرفت و جهت واقعی خود را مباحثات ملی این سالها با او جگر می جنبش خلقها تعدت ستم و عکس العمل جنایتکارانه در باره پنهان امیرالایم مبارزات مهربانان اوج نوینی گرفت و بهنگام حمله اش را متوجه

امیرالایم و بخصوص امیرالایم حاکم آنروز یعنی انگلستان نمود و جنبش ملی شد. نفت حرکت واقعی، مردم را به نماش گذاشت. بسیج عمومی آنروز علیه امیرالایم را در سنت مبارزاتی خلقهای مهربان علیه امیرالایم این دشمن اصلی مهربانان می باشد.

اما خیانت پیشگی رهبران حزب توده بعدم توانایی و شکستگان سیاسی سروروزی یعنی جبهه ملی در رهبری جنبش سرانجامی جز شکست برای جنبش به بار نیاورد و مبارزات قهرمانانه خلقهای مهربان با کودتای ۸ - مرداد به شکست کشانیده شد. و این شکست و شکست سیاسی آمدن فولوک رهبران حزب توده و جبهه ملی را نتیجه اثبات رسانید و رهبرانی که موعود گرد تا آمدند و ملی چشم سران فریبستند و خیانت تاریخشان را آغاز نمودند جبهه ملی نیز که بخشی از قدرت سیاسی و دولتی را در دست داشت و بسا - خرابی و ناباوری، جوانان اجتماعی و طبقاتی که کترین حرکتی در مقابل کودتا نمی توانست انجام دهد توده متشکل حرا توده به همه مردم آماده ایثار و جانفانی را آخرین قطره خوشای برای در دست گرفتند قدرت سیاسی بود تا باره بران در بی چگونگی آب سرد پاشید بر روی آن.

بدینسان تشکیلاتی و تاریخی برجسته های کبره، خاشنه سازشکاران با خون سن بی کارگران، دهقانان و جوانان مبارز و انقلابی مهربانان نفس بست که هیچ چیز خواهد توانست آنرا بماند. حزب توده بخصوص با روی کار آمدن خروشید و خندید نشود به یک جنبش روینویستی و فرموله کشیده انواع نرهای آتش طبقاتی در آنکمال مختلف در سطح جهانی سیاستها را تغییر کرده چه جنبش روینویستی، مترجمان و ضد خلقی تبدیل گشت که هدفی حساس است بسوی درگاه بورژوازی و هیئت حاکمه نداشته و ندارد.

بدینسان جنبش حق طلبانه خلقهای مهربانان به شکست انجامید ملی مبارزه همچنان ادامه یافت. ۲۶ آذر سازمان مقاومت را به تنها مقاومت بلکه تعرض در - مقابل کودتا برای نشان دادن مبارزه جو مردم بود. همان شکست و انحطاط خط مشی های خیانتکارانه و سازشکارانه حزب توده و جبهه ملی بود. اگر چه دانشجویان شهید عضو سازمان جوانان حزب توده و جبهه ملی بودند.

۱۶ آذر روزی است که سنبل پیوستند جنبش دانشجویی با جنبش توده ها و مقاومت دلیرانه دانشجویان بر طبقه رژیمهای ارتجاع و آغاز مبارزات نوینی در جنبش دانشجویی است.

لیکن هیئت حاکمه فعلی با سرسوزن گذاردن مبارزات دانشجویان و سایر انقلابیون راستین با وارونه جلوه دادن - اهداف اصلی این مبارزات ایشور و انمود میکند که چه در گذشته و چه در حال ایس تنها روحانیون بوده اند کمینست علیه سلسله امیرالایم رژیم شاه مبارزه می کردند و در حالی که نگاهی کوتاه

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

آرسلو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



آذر ۱۶



گزارشی از برنامه بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر در دانشکده ادبیات - ۵۸/۹/۱۸

برند. شرح ماجرای اشغال و تصرف یک ساختمان بزرگ در امیرآباد به فرازپرست: روزیازدهم آذرماه ساختمان امیرآباد توسط گروهی از مردم زحمتکش اشغال شد چندی بعد، افراد کمیته در محفل حاضر شدند و بمنظور قریب اشغال کنندگان و اخراج آنان ابتدا به حبله و تیرنگ متحمل شدند و با متوان کردن اینکده گویا کمی بیشتر یک ساختمان "مناصب" وجود دارد (!) سخن کردند مردم را از ساختمان خارج کنند. اما ساکنین باهوشیار قریب این توطئه را نبوده و تشنه تعدادی از افراد خود را همراه کمیته ای هافستاند ضعیف میدانند در ساختمان باقی ماندند بزودی شخصی شد که وعده "ما" مورین "کمیته" تودایی و تیرنگی پیش نموده است. فردای آنروز (۹/۱۶)، گروهی ناگاه که توسط صاحب ساختمان فریفته و اجیرشده بودند به ساکنین ساختمان حمله کرده وعده ای از آنها را اجروح نمودند، بخبر که بعضی از آنها به بیمارستان منتقل شدند. در همین اثنا افراد کمیته مجدداً حورسیدند و با تیراندازی هوای سعسی در متفرق کردن مردم نمودند.

همزمان با آن تعدادی از دانشجویان کوی دانشکده تهران، پس از اخراج از اجاز، سررسیده به کمک متصرفین ساختمان نتوانند و بتوانند حمایت از اقدام انقلابی آنان، در جلو ساختمان، زنجیر کشیدند. دانشجویان مزبور با کمک ساکنین ساختمان، تعدادی از مهاجمین را دستگیر نمودند. ولی "ما" مورین کمیته پس از تحویل گرفتن دستگیرندگان، بدون هیچگونه احساس مسئولیتی آنها را آزاد کرد و مرتضی از دانشجویان می خواستند تا اتجار ارتکاب کنند.

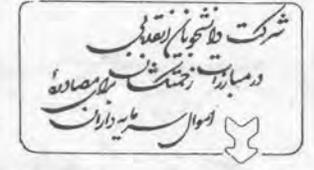
اما پس از انفجار راه "صمم ساکنین ساختمان و دانشجویان مواجه گشتند، خودشان ناامید شده و ساختمان را ترک کردند. عوامل هیئت حاکمه طریقم ادعاهای دروغین موعده های فریبنده خود مینسی بر محمول ساختمانهای خالی سرمایه داران به "مستضعفین" می سخن، هرا بر ایدام انقلابی اشغال همین ساختمانها از طرف مردم، به حمایت از سرمایه داران سرخاسته و به تشنه زحمتکشان را از این تاراج و... کرده بلکه تا حد امکان سعی به روی آنان، نیز بیشتر اند.

اقدام موعده دانشجویان انقلابی بر برای حمایت و شرکت در این حرکت. زحمتکشان که بختر از مارا با دستگیر و ضد امپریالیستی توده های مارکس روی - بازرگ غریب هر چه بیشتر مستغری چنین دانشجویی بگفت پیوند با چنین توده های میباید. دانشجویان انقلابی بوسیله امپریالیست مورین و دانشجویان م - ل میا بنیز از جنبش و توجیه به تیراندازی انقلابی انقلابی جامعه ما در جهت ایجاد پیوند عمیق جنبش دانشجویی با جنبش و بگيرنده ضد امپریالیستی توده های بگيرنده.

"هر چه مستحکم تر یاد پیوند دانشجویان انقلابی با زحمتکشان"

رویکشبه برنامه ای از طرف گروه تاریخ دانشکده ادبیات به مناسبت شانزدهم آذر روز دانشجو در تالار فردوسی دانشکده ادبیات برگزار شد. در این برنامه که بران جوذ موزیکاتی حاکم بود از طرف اکثر جوانان سیاسی دانشجویی پیام های درارتباط با شانزدهم آذر داده شده بود. ابتدا از خانواده شهدا "شانزدهم آذر در مورد شهدا" صحبت شد و طی برنامه، گرداننده برنامه با شعارهای ضد امپریالیستی، جمع را دعوت به دادن شعارهای فوق می کرد. در اول برنامه چمران مزدور، جلا دخلی کرد به تالار فردوسی آمد، اما دانشجویان انقلابی که به هاشماری کامل به مراسم نظارت می کردند با شد چمران این مزدور بیگانه با سرخوردی انقلابی دست به افتخاری زدند چیرا از این قرار بود که دوستی که به پیام دانشجویان پیشگام را می خواند بسا در آن یک شعار انقلابی درارتباط با عکسهای شخصی هیئت حاکمه در کورستان دست به افتخاری زد. بعد از آنکه پیغام دانشجویان درارتباط با مبارز خنده شد که در آن به وضع به نقی، بجاع داخلگی اشاره شده بود و درارتباط شهدای کردستان شخصاً "دست یک افتخار" گری زده بسوز در ابتدا می خواند پیام دانشجویان هوادار راه کارگری از دانشجویان ازته سالسن باعدای رسا اعلام کرد که "چون چمران - خائن جلا دخلی کرد در این جلسه حضرات طاعه ما از دانشجویان به اعتراض - جلسه ارتکاب می کنیم."

در پایان این حرف دانشجویان با شعار تری سردر میرو "جلا دخل زعفر - جلا دخل خلق ما نیست" تیروبه ترک سالسن کردند. این حرکت بگرایه نشان دارتسه جنبش دانشجویی بیرون تراز هیئت حاکمه در جهت منافع خلق همیشه آماده افتخاری است. در این میان تمامی دانشجویان از - مانی خا ننده و با شعارهای تبهجی بی به طرف درویدی دانشکده رفتند. تظاهرا بوسیله دانشجویان با شعار اتحاد، مبارزه چهر روزی "پایان پذیرفت و در این میان دانشجویان نشان دارند که هیچ گاه به منافع خلق فیر ما مانع نیست نکرده و بیرون تر از هیئت حاکمه از ای امای بر طبع امپریالیسم و ارتجاع دست خواهند زد.



بدنیال حرکت انقلابی زحمتکشان در - جهت حاد راه ساختمانها و آپارتمانهای سرمایه داران فراری در نا لقی نظیر "خاک سفید" "حلب آباد" و... و جنبش انقلابی باقی ها توسط دانشجویان انقلابی، اخیراً این نهیست اوج یافته است و در حال حاضر تعداد زیادی آپارتمانهای خالی که اغلب صاحبان آنها فرارند از طرف مردم زحمتکش اشغال شده است. از جمله تصرف یکی از ساختمانهای بزرگ در خیابان "کارگر" شمالی (امیرآباد) و همسایه "بوسف آباد" راجهتوان نسام

پیام مشترک...

تاریخ مبارزات انقلابی خلقهای ایران بی پایه و اساس بودن این مدعا را به خوبی نشان میدهد.

رژیم حاکم از ترس همین موضوع است که امروز حتی کوچکترین اشاره ای به مبارزه دانشجویان انقلابی در ۱۶ آذر ۳۲ و - سالهای بعد نمی کند و سعی مینماید تا اهداف آنرا و رونه جلوه دهد و در دست همانند تبلیغات تحریف دهنده و خلاف واقعیت درباره مبارزات کومینستهای انقلابی در زمان شاه بقیته به نقی دانشجویان کومینست هم اشاره ای نخواهد کرد. این واقعیت بالترین مقام اراد است و این حقیقتی است که دانشجویان انقلابی هیچگاه به خاطر مدح و تشایب کسی به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بسیر نمی خیزد و اینرا خط سرح میبازراند. دانشجویان انقلابی از راههای گذشته فاکتور به اثبات رسانیده است.

اگر روز دانشجویان رزمند و انقلابی بدست رژیم شاه جد در دانشکده ها و - سر امپریالیست شهید می شدند امروز نیز ادامه دهند ۱۳ را ستین راه همان انقلابی به بالاترین مراحل مبارزات انقلابی دست یافته و همراه با خلق زحمتکشان بدست مزدور هیئت حاکمه کومینستی - پادشاه را با افشور بازید برآوردند. آری، خون سرح رزمی شهید با صبر و توغیض سا که به این توفیق از راه ایبه کارگردانست یافته بود و دیگر کارگران قهرمان اصعبان بدست مزدوران هیئت حاکمه شهید گردید. توأم این مدعا است و خون سرح سالیس دانشجویان انقلابی و قفا به خون خفته مان، احسن و شریفیاریتیند. بیما خیر ۴ میرنگاری که در کج خلق قهرمان کوربه آموز نهیاد است. دانشکده در عمل کورستان دارند. از این کومینستها، از این خلقهای پشان می باشد. منت محکم است که در این ارتجاع حاکم و امپریالیسم خونخوار آمریکا، کومینستی از بر نمی هرا کنند، این راه سرح آنهاست که همواره در کنار زحمتکشان میبایست باشند و در تادوش آنها مبارزه کنند و قهرمانانه شهید شوند.

هیئت حاکمه خلق سعی دارد با تحقیر کردن بوسعکاران فقر آنها را از پیوستن بشار و مبارزات این باینده توده ها را در رادله سالیه فراموشی مبارز، هیئت حاکمه عملی با تحویب توانین ارتجاعی

تیرگانش هیچ حقی را برای انقلاب بیون در نظر نگرفته چه خیال خود می خواهند همه را سرکوب نماید، در این رابطه هیئت حاکمه دشمن خود را خوب تشخیص داده است و که هیچگاه نه میخواهد و نه میتواند به خواست خلقها و زحمتکشان پاسخ گوید. سعی در به انحراف کشاندن مبارزه بخصوص مبارزه ضد امپریالیستی مردم زحمتکش ما دارد، اما این بارگران بدوش انقلاب بیون و دانشجویان انقلابی است که با افتخاری و تبلیغ و ترویج توجیه توده هارایش کنند و وظیفه خود را اجرا نمایند. این وظیفه کومینستهاست که پرچم از این مبارزهای دانشجویان رزمند و انقلابی! اکنون که کولماری از جنبیست خونبار جنبش دانشجویی را بدوش میکنیم باید که از گذشته بیاموزیم و با تشکلی خود در - جهت همگون کردن مبارزه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی دانشجویان انقلابی به ما ن توده هابریوم، بصوف خود را فترت کرده و روی رویستهای خاشن توده ای و - همالکمیتهایان می چیرای های مرتجع را رطیر و افتخاکیم، الیر آنها را متفرد کنیم و در تادوش خلقهای میبایست به مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی دامن زیم. اکنون هیئت حاکم در دست راست ناتمام شعرات قیام رایبه نابودی کشانده و - این آزادی نیم بند را که در راتر شوره خسون بیخ از ۷۰۰ شهید به دست آمده به بند کشد و تشنه مبارزه پیگیر و متشکل انقلاب بیون به مزاج زحمتکشان است که میتواند مدی در مقابل بیون و بساره ارتجاع باشد. همانطور که در کورستان قهرمان در عمل این را اثبات نمود، پس بکار دیگر با اتحاد و دوستی در صفوف خود و مبارزه علیه امپریالیسم و مزدوران - را خلیس و ضعیف نقد و تاریخی خود را در این راه هر چه بیرون تر ادامه دهیم.

گرامی باد خاطر شهدای ۱۶ آذر ۱۳۲۷ مستحکم یاد پیوند انقلابی دانشجویان رزمند و خلقهای قهرمان ایران! مبارک بر امپریالیسم و ارتجاع!

دانشجویان هوادار راه کارگر و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی لایفه کارگر و دانشجویان دانش آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی لایفه کارگر.

(۵۸/۹/۱۵)

گزارشی از کردهای ضد امپریالیستی دانشجویان مبارز

مدرسه عالی بابلسر در تاریخ چهارشنبه ۵۸/۹/۱۴

روز چهارشنبه ساعت ۳/۵ دانشجویان مبارز طرفدار آزادی لایفه کارگر در سه عالی بابلسر جهت همگامی با مبارزات ضد امپریالیستی توده های کرد همای در مدرسه عالی بابلسر ترتیب دادند. در ابتدا یکی از دانشجویان رتوب برنامه فرات کرد و - توضیح در مورد کرد همای داد. بدنیال آن یکی از دانشجویان در مورد شهدای انقلابی تازدهم آذر و نقش دانشجویان در مبارزات توده ها مقاله ای خواند. سپس یکی از رهبران بیرونی تیروب تحولات جامعه و حرکت ضد امپریالیستی توده ها و نقش بورژوازی و - ارتجاع را در نتیجه نتانم گذشتن س انقلاب و اینکه اینان نمی تواند ضد -

امپریالیست باشند سخنرانی کرد. سپس شماری بوسیله یکی از دانشجویان و همسین مقاله ای تحت عنوان چرا قانون اساسی را تحریم کردیم خوانده شد. در مواصل طول برنامه شمارهای ضد امپریالیستی بوسیله یکی از دانشجویان گفته می شد و جمعیت همه با یکصد آواز تکرار می کردند و ختم خود را نسبت به امپریالیسم وحشی و خونخوار آمریکا نشان می دادند. در ادامه مقاله ای که در مورد مبارزات کردستان تهیه شده بود به علت کمی وقت و بیرون تر خوانده شد و کردهای بدون درگیری خانه پیداکرد.



مشی چریکی....

مارس سال ۱۹۱۷ تعداد انقلابیون آگاه در روسیه زیاد بود (لنین - وظایف پرولتاریا در انقلاب)

(۱۹۱۷)

رفقای پیشگام می گویند: هرگاه تفکری جدید در یک جریان پیدا شود یا توجه به اصول دموکراتیک حاکم برجریان چنانچه این تفکر بتواند حقایق خود را نشان دهد. همه جریان را تحت تاثیر قرار دهد... خود به جلوسه دهد. کل سازمان موضوع حد بدی می کند. نمونه این حرکات تکاملی، تکامل سازمان ج. ف. ج. از نظرات رفیق احمدزاده به نظرات رفیق جزینی و نینفست. برگزیدن نظرات رفیق جزینی در سازمان است. در هر دو مورد نظرات جدید نتوانستند حقایق خود را در سطح سازمان تثبیت کنند و در واقع کسل سازمان را دچار تحول کردند (نیام و اکتونیسیتها، ص ۱۴)

دانشه با اند حاکم می شود. کمونیستها با کمک مبارزه طبقاتی با هراندیشه ای روبرو میشوند و آن بطور انقلابی برخورد میکنند. اما روشنفکر خرد به روز و بدون اندیشه و تفکر بد نال نظر حاکم روان میشود و تئوریش نیز نیست که هر نظر اگر حقایق داشته باشد حاکم میشود. پس زنده باد نظر حاکم، چیرا که اگر حقایق نداشته است حاکم نمی شد! دیدگاه مشی چریکی چنین است، درستی نظرات با کمک مبارزه طبقاتی، بسا مدد مارکسیسم - لنینیسم نتوانسته میشود. با نظر حاکم نتوانستند تا به حد تکمیل کورگوانه و آنچه حاکم است حقایق را در او بزرگی مشی چریکی است. کهنایها به پیروکارانیم - مخرمان از بالا - به جدائی کامل از توده و به رویزونیسم مانجا رفقای پیشگام با این حملات بیشتر انحرافشان را از مارکسیسم - لنینیسم نشان می دهند و دیدن مرید و برادر و برخورد غیر دموکراتیک و غیر مکرانیک را با تشکیلات چریکی عریان می کنند: هم چنانکه در فصل ۳ بیشتر خواهیم گفت، وقتی هواداران تغییر شعارهای سازمان را می بیند (مثلا شعارهای تشکیل حزب یا کارگراسی - تشکیلاتی در طبقه) رهنمودهای سازمان را می بینند و عمل می کنند و عمل کارهای سیاسی سازمانی در رابطه با جنبش مردم نظیر شرکت در تظاهرات و بالا بردن سطح شمارها و مداخلت نظامی یا کونکول به سمت مسوولان مهاجم (وقتی تفاوت حملات نظامی سازمان را که در گذشته متوجه مصلحت سازان در شرایط نیام توجه ارتش و از هم پاشیدن است و یا شرکت مسلحانه رفقای سازمان را در مبارزات مردم می بینند. شاهد تغییر ماهیت حرکت سازمان هستند، می مانند شرح و تدوین و تئوریزه کردن این حرکت برای توده های هوادار و در سطح حاکمیت پس از نیام - پس از سفند ماه. سازمان شروع به این کار کرد. (تیمساجو اکتونیسیتها، ص ۱)

معناش باقیماندن با پرولتاریای انقلابی است. «ولنین»

اما رفقای پیشگام طبعی لنینیسم - برای توجیه حرکت کورگوانه و تابعیت غیر دموکراتیک از نظر حاکم به "حقانیت" متوسل می شوند. نه رفقا چه با آن دین هاشی که بسیار بسیار "حقانیت" دارند و حقانیت خویش را با راه های اثبات رسانده اند اما هرگز حاکمیت نمی یابند. چرا مثلا لیکنست شکست می خورد و رویزونیسم بر حزب مسوولان دموکرات غالب میشود. آیا لیکنست نتوانسته است حقانیت خویش را اثبات کند؟ هزار بار اخیر. اندیشه اش حقانیت دارد، اما امپریالیسم آلمان موفق شده است که به قیمت قمارت خلقهای تحت دستم ۵ یک قنتر آریستوکراتیک را گری که پایه هشیای رویزونیسم در جنبش کارگری است ایجاد کند و بدین خاطر است که لیکنست طبعی است اثبات حقانیت شکست می خورد و هشیای عظیم حزب بد نال رویزونیسم - نیام این دیدگاه چریکی چگونه به رویزونیسم خدمت می کند؟ طبعاً هواداران را در یک رابطه پرولتاریک و فرمان آنها را میسر کند مگر آنکه که چشم به نظر حاکم که "حقانیت" دارد روخته اند. قزاقها هند و از طرف دیگر هر نظری رویزونیستی را که سازمان با حزب حاکمیت باید بعنوان نظرداری - حقانیت عمل تعهد می دهد. بدین ترتیب خروشانها و تنگ نیا نمیکنند و کاتولیک ها را بد "حقانیت" خویش را اثبات کرده اند! که برهم پیشگام همه جریان را تحت تاثیر قرار داده یا خود بجلوسه داده؟! آری اینبار نیز تفکریای چریکی و نظریه برداریهای پیشگام به خدمت توجیهی ترها در رویزونیستی درسی آید. فراموش نکنیم این گفته لنین را که: "رویزونیسم بهر صورتی که باشد دارای یک وجه مشترک اساسی در شکل تشکیلاتی استخوان پرولتاریاست. (نقل منحصی)

۰۸/۸/۸۱ (نامه داد)

بگذریم از اینکه بهیچوجه "تعمیر ماهیتی" در حرکت سازمان فدائیان دیده نمیشد. چنین تعمیر ماهیتی را نیز دیده اند. از کجایند این "تعمیر ماهیتی" حرکتی درست است هیچ محکی نمی بینیم نه "شرح و تدوین" تئوریزه شدن "آن و نه یک مبارزه طولی صحیح اما رفقای پیشگام و دیگر هواداران - تعمیر ماهیت جدید را با استدلال نوعی پیشگامی می پذیرند. چون حقانیت دارد "چرا حقانیت دارد" چون همه جریسان تحت تاثیر قرار داده یا خود به جلوسه برده است. رابطه هریراری پدرا سالارانه فرمان ایلا و پدگاه پرولتاریک رویزونیستی که باقی کامل دموکراتیک سازمانی همراه است از خلال بخشهای رفقای پیشگام خود را می نمایاند. اما اگر اندیشه ای "حقانیت پرولتری" خویش را اثبات کرد آیا می تواند همه جریسان را بد نال خویش بکشد؟ آیا نظر لنین در اینترناسیونال دوم "حقانیت تاریخی جهانی" خود را نشان داد. پس چرا در واقعیت افتاد. در نبرد میان کاتولیک و لیکنست "حقانیت" با کدامیک بود؟ لیکنست؟ پس چرا نیام جریان را بد نال خویش تشکیله و لنین می گوید: "کارن لیکنست و دستگیروله و ونفری درین عهد نمایندند انضباط را زیر پا گذاشته و وحدت با مرکز رویزونیسم را برهم زدند و بر سر همه نیا خاستند. تنها لیکنست است که نمایندند و سوسیالیسم و آرمان پرولتری را با غلبه پرولتاریای باشد. طبق گفته صحیح روز لوکا مورگ بقیه سوسیال دموکراسی آلمان سربالایش متعین است. (لنین - وظایف پرولتاریا در انقلاب منتخب آثار ص ۱۶۵) بهتر است همانطور که لیکنست رفتار کرد و ونفری باقی ماند که معناش باقی ماندن با پرولتاریای انقلابی است. (همانجا ص ۱۶۸)

جریانی رفزاندوم و...

نهیخته شده است، بعنوان "تکلم کننده استقلال اقتصادی کشور" و مشخصات آن - "جلوگیرنده" استمار (!!) - قطار - میکند حتماً "معله" استمار هم در قانون رویزونیسمت مضمونی غیر از ممالکیت خصوصی دارد و گویا عنوان با جمعی از اورد و سبت مالکیت خصوصی و "شروطیت" دادن به آن، از استمار جلیگیری نمود!! اینجاست که در خوس پرولتاری از دکیان لغز ازین "سردرماورد" که جنی ها دارا ده اعلا مه فوق اند کرمیونستند: "اصل نظام شورائی، اگرچه آنطور که باید خلقی و صریح و کاربنیست ولی در اساس نظام شورائی را بد برت و تثبیت کرده است" (همانجا تاکید از است)

شوراها ارگان حاکمیت مستقیم توده ها بوده و خود هم قانونگذاران مبرم آن است؟ پس این دیگرچه شورائی است که حدود و وظایف و اختیارات آنرا قانون تعیین کند. آنهم این قانون دستخبر خیرگان؟ وارظرف دیگر اساس "ولایت" مفعی "مگر خود نفی آشکار حاکمیت توده ها و به تصغر گرفتن شوراها نیست؟ حزب توده به قانونی رای مثبت میدهد که با سلب حقانیت ارتجاعی و قرون و سلطانی خود، حق برابرین و مرد رانانیده گرفته میاین عمل در واقع به نمی ارتجاعی مآوئین نموده است. حزب توده به قانونی رای مثبت میدهد که ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک توده - آزادی بیان، قلم، اجتماعات و... را پامال کرده و حق تعیین سرنوشت و حق خود مختاری خلقونها نفی از خلقها میفرمان کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ را زنده گرفته است. رویزونیستهای جز نتوده همچنانکه در جریان اینجایات "مجلس خیرگان" با کاندید نمودن خلقالی، این جلاد خلق کرد، دشمنی خود را با این خلق دلاور نشان داده و بهنگام مسوولت معمول و رویزونیستانه ارتجاعی حاکمیت کرد صتان نیز در کار رویزونیستهای چینی - اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و "سازمان ضد انقلابی" باز زن - انگسای همچون "عامل بالینان" شامل

امپریالیسم آمریکا" و "ضد انقلاب" به خلق کرد و سازمانهای انقلابی این بر قضای ارتجاع حاکم صده گذشت. اشون نیز برای مثبت دادن به قانون ارتجاعی دستخبر "خیرگان" به تأیید هیئت حاکمه و تمام عطرکه ها و جناهاش در کرد صتان، ترکمن صصرا، خوزستان و... دست زده و بیگانه دیگر نشان داده است که در کنار ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه قرار آزند. ج: سایر گروهها واحزای که رای مثبت دارند (بجز رویزونیستها) و خود طبقی را تشکیل میدهند که از پرولتاریا (نهضت آزادی، حزب ملت ایران و...) گرفته تا گروههای وابسته به لایه های کوناگون خرد - پرولتاریای اتحاد می یابند و در این بین جریانات فاشیستی نیز چشم میخورد مثلا - در اردو مست "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" در بنانه ای که به مناسبت فرماند به تاریخ ۵۸/۹/۹ صادر کرده و در بین مردم پخش نموده است. میگوید که "دوست قانون اساسی جمهوری اسلامی می کاری پس عظیم و نحمین آمیز نموده که در تاریخ انقلابات جهانی کم سابقه بوده است!! متن بیانیه مشون از درضا فیه الزابین قبل است که گویا "این قانون به حتم ملی وارد به خلقهای کرد، ترکمن و... برای همیشه

پایان داده"، جلوسه سرمایه داری را گرفته "حقوق زن را در جامعه در نظر گرفته "جالب است که "پیشنهاداتی هم ارائه داده که یکی "حذف مقام نخست وزیری و دادن اختیارات وی به ریاست جمهور!! و دیگری "ایجاد سازمان امریه معروف و نهی از شکر است." گروههای "جنبش مسلمانان مبارز" و "جاما" یا اینکه انتقادهای زیاد ریاست قانون اساسی وارد میدانستند ولی سرانجام نتوانستند "موضع" دموکراسی انقلابی" به قانون برخورد کنند و پارای مثبت دادن خود عملاً "آب به آسباب ارتجاع ریختند. حزب توده ایران عملاً اعلام میدارد که در هر نقطه ای که آیت الله خلخاللی نامزد باشند، به ایشان رای خواهند داد." (الطالع کیمت مرکزی حزب توده ۵۸/۵/۹) - از بد رویزونیستهای توده ای چنین جلا دی را میتوان "دمکرات انقلابی" هم حساب آورد زیرا وقتی که خلق کرد، "عامل امپریالیسم" و "ضد انقلاب" باشد، پس سرنگیتر "دمکرات از آب در می آید!!" "سوریا انجمن کانونی برای اعمال حاکمیت مستقیم طبقات انقلابی جامعه بوده و در شرایط حاضر باید تنگنای و تکامل دهنده دستورها باشد و انقلاب به مردم باشد ۱۳ - حقیقت شماره ۳۹ تاکید از است.

گزارش گرامینداشت

فرار دارد پس چرا این واقعیت را که لزوماً در تک تک مواضع و تاکتیکهای حال و آینده ستاد نیز خود را نشان خواهد داد (پوشیده نگه میدارنوبه دروغ می خواهد خود را "مستقل" جا بزند؟

اینست موضع ما در قبال "ستاد" در يك كلام روشن شدن هویت سیاسی آن در صورت پافشاری بر ادعای استقلال، منوط بريك دوره لازم از براتیک و موضعگیریهای آن در درون جنبش دانشجویی خواهد بود ولی تا کید می کنیم که با این دیدگاه انحرافی که به لبرالسم درون جنبشی دانشجویی دامن می زند، قاطعانه به مبارزه ایدئولوژیک ادامه خواهیم داد

در تاریخ ۱۵ آذر ستاد در اعلامیه ای که تحت عنوان "وحدت و اتحاد" منتشر نمود، در - حقیقت بصورت آشکار نمونه تمام عیار یک برخورد ایبر تونیستی را بنمایش گذاشت. در این مختصر بدون اینکه بخواهیم بار دیگر به تشریح نظراتمان در مورد جنبش دانشجویی (که تاکنون بارها از غلوق مختلف اعلام نموده ایم) - بپردازیم، لازم می دانیم که شیوه برخورد غیر صادقانه و فرصت طلبانه "ستاد" را افشا کنیم و نشان دهیم که اعلامیه آنها تا به چه حد مبارزه ایدئولوژیک را مبتذل کرده و به برخورد های مفرض نه و غیر اصولی تبدیل کرده و کوشیده اند با وارد کردن اتهامات بوج و نسبت های - دروغ، بخال خود مارا تخطئه نمایند.

آنها، فرصت طلبانه، و در حالیکه از يك برخورد ایدئولوژیک عاجز شده اند به نقطه نظرات "شبه سال قبل" بخش مشعباز سازمان مجاهدین خلق ایران، که در - انزبان طبق شی چریکی فعالیت می کرد - درباره جنبش دانشجویی متوسل می شوند.

بدون آنکه ذکر کنند که سازمان "پیگار" نه تنها آن تر را در مورد جنبش دانشجویی بلکه کل آن خط مشی چریکی را که زاننده چنان دیدگاه "شبه جبهه ای" بود است به طور کامل بر طاعنه رد کرده است. ضحک تر از آن برای تکمیل "استدلال" خود قسمت به تحریر و دروغ آشکار نظریات فعلی سازمان پیگاری زنده و اظهار می دارند:

... و بخاطر همین تریست جبهه ای (که خودتان آنرا شبه تروتسکیستی) می خواندید (قبول (؟) دارید، هم سازمان واحد م.ل دانشجویی را (؟) را و هم تشکیلات دموکراتیک دانشجویی را (؟) قبول دارید ...

عجبا گویا این دوستان مضطرب برای حرنوش جنبش دموکراتیک دانشجویی و - طریقیان بر و پافرض "تشریح" دانشجوی که ماهیتا دمکرات است (؟) گویا آنقدر در تشکیلات دموکراتیک خود غرق شده اند که

بالبته این شیوه برخورد رهبری ستاد در واقع همان سیاست ایبر تونیستی "حقیقت" است که در شماره ۷، ۴، ۳، ۲، ۱، هر پایه همین نظر به گذاشی و تصویر من در آوردی از جامعه و طبقات بود که سازمان مادر "پیگار" یعنی "بخش - مارکسیستی سازمان مجاهدین" در زمان

اوگیری انقلاب ایران از رونق "سرمایه داری وابسته و رکود" انقلابی و حد اکثر "شبهات شکننده" دم می زد ... ( لازم به توضیح است که از جانب - رهبری "بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق" در آنزمان با تترکود" قاطعانه مبارزه و این تر رد گردید. ) و این به خوبی نمایانگر آنست که رهبری ستاد همان پیاده کنندگان سیاست "حقیقت" هستند که با شیوه های ناموشک بازی خود را در پس پوشش ستاد مخفی می نمایند.

نه بین "سازمان پیگار" با "سازمان مجاهدین" - بخبر منشعب - سه سال میل فرق می گذارند و نه بین درک ضرورت وجود تشکیک های دانشجویی وابسته به تشکیک های م.ل در سطح جامعه (از نظر سیاست و شی) و درک چریکی بیست جبهه تعاونی قابل هستند

نه دوستان! مانع تر "شبه جبهه" - بودن جنبش دانشجویی را قبول داریم و نه تر "سازمان واحد م.ل" را و نه - تشکیلات دموکراتیک از نوع "ستاد" را بلکه ما معتقد به ضرورت ایجاد تشکیک های م.ل دانشجویی (که تنها به اعتبار وابستگی سیاسی - ایدئولوژیک به يك تشکیک گونیستی در سطح جامعه و اهمیت می باید) هستیم

و بر آنیم که چون مرحله انقلاب ما - دموکراتیک و ضد امپریالیستی است و در نتیجه تمام گروه های دموکرات و بر - راس آنها م.ل ها می بایست در جبهه متحد ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی متحد شوند. لذا در دانشگاه نیز بیان این جبهه را در ایجاد تشکیلات دموکراتیک دانشجویی امکان پذیر دانسته ولی معتقدیم که این تشکیلات نه یک سر هم - بندی می محتو بلکه در طی یک پروسه مبارزه ایدئولوژیک و پس از رسیدن به توافق با تشکیک های - دمکرات موجود در دانشگاه بوجود خواهد آمد.

در اینجا مجال آن نیست به کینه انحرافات ایدئولوژیک منسک شده در اعلامیه منبر که ریشه در انحرافات ایدئولوژیک "اندرایه کونیستیهای ایران" دارد و راست - روپهای هولناک اخیر این گروه نیز از آن ناشی می گردد بپردازیم و این امر را به آینده موکل می کنیم

برای طرد نظرات انحرافی دانشجویی بگوئیم

۱۲ آذر، اعتلاء انقلابی و مقاومت خلق را بنمایش می گذارد، خیانت سازشکاران و فراریان را آشکار می کند و اهمیت مبارزات دانشجویی را در عرصه انقلاب دموکراتیک میهن متذکر می شود.

پس گرفتن ثمرات مبارزات دانشجویان اروپایی:

نموده هار روز به نوعی ابتکار مبارزاتی دست می زنند. آنها با رژیم ضد خلقی روبرو هستند و تا به زواله دان سیردن آن - هر روز با رژیم دست به ابتکار خواهند زد - روزی صادر و ساعتها، روزگنصن ... یکی از آخرین آنها، اشغال هتل توسط دانشجویان و تبدیل آنها به بیمارستان و خوابگاهها می باشد

نموده هار روز به نوعی ابتکار مبارزاتی دست می زنند. آنها با رژیم ضد خلقی روبرو هستند و تا به زواله دان سیردن آن - هر روز با رژیم دست به ابتکار خواهند زد - روزی صادر و ساعتها، روزگنصن ... یکی از آخرین آنها، اشغال هتل توسط دانشجویان و تبدیل آنها به بیمارستان و خوابگاهها می باشد



تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۱۱ شماره: ۱۱۰ استادان رجسته آفریجان - سربر...

Form with fields for name, address, and date: نام و نام خانوادگی، شماره، تاریخ

با تقدیم احترام - نموده - روزی - از این روزها

نان، مسکن، آزادی



ودر میان دره های خفته و خاموش  
چه سالها  
ناستان را رود بارهای سرکشی کردیم  
که در سنگلاخها جاری ست  
چه سالها  
چه سالها  
ناستان بپروم نبود کردیم  
ودر سرودهای خشم برافراشتیم

ما در کجای زمان ایستادیم  
در کجای زمان  
که در سیاهترین شبان نبود میهنی  
چشمان خیره ی ستارگان خونین  
فرداهای قیام را  
تکسراسر کند  
ما در کجای زمان ایستاده ایم  
در کجای زمان  
که قانون سراسری زمین

تسوفان مداوم انقلابهاست  
وآرمانهای سرخ  
با گامهای آهسته تود معایبکست  
صیقلهای بی امان  
پنداره های شیرین و دورنیمت  
آه  
ما در کجای زمان ایستادیم  
که از چارسوی زمین  
طنین تلاطم فتح می آید؟

امروز  
امروز  
باز می آیم  
با سرودها مان  
نه در کوهساران  
ونه درد شتهای دور  
در قلب جنبش خلق باز می آیم  
با نام های طبرستان باز می آیم  
آنجا که قریب های متحد مردم  
اسلاب و آرمی پیچید  
انجا که حصاره های سازش موقت  
مست میشود  
در زیر موج ضربه های توفان توده ای  
انجا که سر می افرازد بلند  
فریاد آتشی ناپذیر بزرگ  
آنوازه های خروشنده شما:

سرگ بر آمریکا  
سرگ بر آمریکا



چه روزهایی  
چه روزهایی:  
فروریختن جوانه ها

بخون غلطان  
در هم تنیدن خون  
با ترانه های بدروشان  
سوراخ سوراخ قلبهای دلیر  
درخشم جوش خود تپان

آه  
آری  
چه روزهایی  
چه روزهایی:  
گریزگاهان هرزه  
بارشده های کاذب در یاد  
و ماندن گلهای سرخ  
با شعله های عاشق خون در رگ  
ماندن  
برای زروشدن هزار قامت برافراشته فریاد  
ماندن  
برای ریخته ماندن در فصل سرگ  
ماندن برای خواندن سرودهای زندگی  
با دانه های پنهان  
در طول روزها سرد زمستانی  
که آرزای می رسید

چه سالها  
که ناستان را  
در کوهساران به نعره برآوردیم

ستارگان سوختند و  
کلام سوخته  
براستان نبود میهنی، سرخ  
شعله کشید:  
سرگ  
سر  
آمریکا

اینجا کجاست  
اینجا کجاست  
که حتی با نام ماهها مان در آمیخته است  
حما معهای شعله و زهر  
اینجا کجاست  
اینجا کجاست  
که روزها مان حتی  
با خون اشک در پیگراها  
مهر خورده است  
اینجا کجاست  
اینجا کجاست  
که گردبادهای نبود  
بی وقفه می پیچید  
درد گلبرگهای زمان

شمس مرگبار  
نعل می کشید  
بر دروازه های و لیل  
وفصل برگریز  
برجاده های زمان می ناخست.

آه دوازه می آید  
از دورت  
آذر ماه

و بر می آید شعله و روش  
زیانه می کشد هزار خاله خونین

از کوهساران می شنویم  
از کوهساران  
از یادهای شنویم  
از یادها

آیزند گاه و گیاهان  
ما می شنویم  
فریادهای آخرین ثان را  
ای سرداران پیگراهای پایان نیافته

چه روزهایی  
چه روزهایی!  
بر می آید بین سنگت  
باران  
دسته به دسته

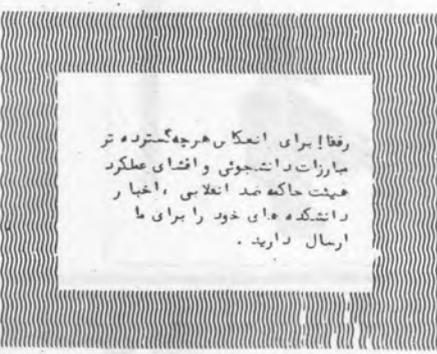
به خاکی افتادند  
و درخت کهنسال خلق  
سوخته آرائش مردادی  
بوسه می دید  
گلبرگهای مسموم  
برگهای جوانش را  
به پند می برد

### پاسخ ارتجاع به دانشجویان زندان، گلوله و...

در حالیکه چهار دانشجوی زندانی دانشگاه اهواز در زیر شدت ترین شکنجه های آریامبری هیتت حاکمه  
بسر می برند، در حالیکه دانشجویان دانشگاه اهواز خواستار آزادی دوستان اسیر خود میباشند، ارتجاع  
حاکم در روز ۲۸ آبان ماه با بسیج چاقی بدستان حرفه ای و شناخته شده خود، زیر حمایت سپاه پاسداران  
مسلح به دانشگاه یورش برد و خواسته به حق دانشجویان را با گلوله و خنجر پلخ می گوید و بد نبال آن  
دهها تن از دانشجویان را دستگیر و به دخمه های آریامبری روانه میسازد و برای توجه اصالح ننگین خود  
به دزوفرداوی و عواقریبی مسئول می شود.

اما رسوائی ارتجاع دیری نخواهد ماند!  
دانشجویان هوادار سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر - اهواز

۵۸/۸/۲۹



در پی دستگیری یکی از دانشجویان هواداران سازمان در دانشگاه تبریز به هنگام بخش اعلامیه دانشجویان مبارز طرفدار آزادی ملیگه کارزار و دانشجویان هواداران سازمان پیکار در راه آزادی لشفه کارگر در درون ترانس دانشگاه متحصن می شود و خواهان آزادی و رهایی خود می گردند. دانشجویان پیشگام نیز از این تحصن پشتیبانی و چند تن از این رفقا در تحصن شرکت نمودند.

۱- تشکیل کلاسها در دانشگاه  
۲- محکوم کردن اقدام درآموزشگاه پرستاری ۲۵۰ شهریور (صدیقه رضائیان)  
۳- محکوم کردن انحلال ترم البته محکوم کردن انحلال ترم بدنیال تهدیدی بوده که از طرف دانشگاه شده جنی براینگه اگر دانشجویان پرستاری میر کلا بن نوزند ترم منحل خواهد شد. در این تحصن تمام این دانشجویان شرکت دارند و می گویند تا خواسته هایشان تحقق نیابد همانجا خواهند ماند. از چگونگی ادامه این تحصن اطلاع نداریم. در شماره های آینده نتیجه مبارزات این دانشجویان را خواهیم آموخت.

دانشسرای راهنمای تحصیلی (ارومیه) یکی از کارگزاران به اصلاح اعلامیه روزم کبونی، جدا کردن دختران از پسران در مدارس و دانشگاهها می باشد. از طرف ارومیه آموزش پرورش ارومیه (از طرف حاکمیت، مدیر کل) اعلام شد که دختران دانشگاه باید از پسران جدا شوند. دانشجویان راهنمای گفتند که اگر منظور از پسران کارها از پسران بودن صاد است، که بدین طریق از پسران نیروی برای اینچنین بودن - بسازد. باید ریشه های مادپس را در جامعه بچسباند و پسران را از پسران جدا کرد. در جمع در اینچنین بودن آنها کرد. علت صاد وجود جامعه سرمایه داری است برای اینچنین بودن باید سرمایه داری را از بین برد. آقای حقیقت که دست به ایگیری خواهد بزند باید یک مقدار بپوشد. آموزش پرورش را صرف خرید امکانات ساختن و ضرره برای آموزش دختران بکند و این بعثت کمبود بودجه کارنا درستی است. مدیر کل آموزش پرورش، آقای حقیقت ۸۸/۸/۱۵  
پس به او اعتراض میاید خود در دفتر سر شیند و دستوری دهد که در راه روی دانشجویان بنهند. دانشجویان همه خاطر این عمل مدیر کل، در تحصن خواست خود بیشتر از قبل یافتناری کرده اند. اعتراض دانشجویان دانشسرای راهنمای تا امروز ۸۸/۸/۲۱ ادامه داشته است.

**رفقا!**  
انتقادات و پیشنهادات خود را به آدرس نمایان ۱۶ آذر، تالار مولوی جنب تلف سرویس مرکزی - دفتر دانشجویان هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بفرستید. علاوه بر آن بدین نامه کسب مالی شما نیازمندیم، به هر وسیله که می توانید ایام و راه را همان همکاری کنید.

## گزارش مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه تبریز و وقایع خیزش:

دانشگاه کرمان یکی از دانشگاه های نو بنیاد ایران است. از آنجا که مبارزات توده ها در منطقه کرمان منجر به استعمار و سرکوب شدید رژیم شاه خائن و همچنین جعلت عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی و نیز وضعیت نامناسب جغرافیایی منطقه و فقدان راه های ارتباطی مناسب و... نسبت به اکثر مناطق ایران (شمال، غرب و جنوب) رشد چندانی ننموده است. و تحت تاثیر مستقیم این دانشگاه کرمان نیز از نظر آگاهیه های سیاسی دانشجویان در مورد سیاست پائین تری نسبت به سایر دانشگاه های کشور قرار دارد. مزید بر همه علتهای پیشه ای که در حقیقت عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی در راه آنها قرار دارد. باید از ارتقای بی حد و حصر ارتجاع در مقاله و همچنین در دانشگاه نام برد.

### پیام هستکی و ششمانی

شانزدهم آذر خونین راه روزم کبونی جنبش دانشجویی با جنبش انقلابی خلقهای تحت تحن مپهن و وحدت خلق بر علیه امپریالیسم و در راه آزادی ملیگه کارگر است. دانشجویان هواداران سازمان پیکار در راه آزادی ملیگه کارگر! دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر! رفقای مبارز! ۱۶ آذر ۳ روزه است که امپریالیسم به همدستی ارتجاع و دانشگاه اینچنین سنگر آزادی را بخون کشید که منجر به زخمی شدن دهها تن و عوارضات جسمی تن از دانشجویان آزاد خواهد شد چو راسوی و بزرگ نیاید. ما، خاطر این روز تاریخی را که همواره نقطه عطفی در مبارزات دمکراتیک و سوسیالیستی دانشجویی است گرامی داشته و از گرد هم آشی شامه همیز، مناسبست ششمانی کرده و اظهار هستکی میباشیم.

رونده گنه شهید ابراهیم استلال آزادی! طریقه مستحکمتر با پیوند جنبش دانشجویی - جنبش توده های - خلقهای ایران! طریقه برخورد تریا در مبارزات - امپریالیسم - استالین و خلقهای ایران! مرگ بر امپریالیسم امپریالیسم! خلقهای ایران! مبارزات برای آزادی ملیگه کارگر! امپریالیسم! بر سر مبارزات جمهوری دمکراتیک - سوسیالیستی - رهبری شده که -

اتحادیه دانشجویان - اراکسی (از او شوش - سوسند) (از طرف آزادی - شیشه کارگر) (۱۵ آذرماه ۸۸)

# اخبار مبارزات دانشجویی

بهترین گواه تریور و اقدام واقعی شهید سعید وطنی امیرتکازی است که عملت تبلیغی عقایدشان بود که ارتجاع به مبارزات رسیدند. به جرات میتوان گفت که با نفوذ ترین سازمان سیاسی در این منطقه "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" است که در حقیقت استخوانبندی سپاه پاسداران را تشکیل میدهد و همچنین رهبری اقدامات ارتجاعی "انجمن اسلامی دانشگاه" را در اختیار دارد. برای شناخت بهتر تاریخچه دانشگاه کرمان لازم است به وایس اشاره کنیم که

## نات ممکن، آزادی

باید که به فتح ما می رفتیم و این شهنه های و بادشته های پنهان چه خوبسار من آمدند عسایر. چکه تا بر خاد دانشم فتح تا بر دانشم ما غرقه در خون باید خورد و دانشم توفیق در خون خواهد غنیمت باید که به فتح خانه می رفتیم و این شهنه های و چه خوبسار من آمدند عسایر شکستن سختی، برخاست دانشم گل خانه مان



## محصل دانشجو پیوند باز حمتکش پیوند باز حمتکش

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر